


حوا

فصلنامه علمی-فرهنگی انجمن اسلامی
دانشجویان دانشگاه الزهراء (س)
سال دوم / شماره ششم / تابستان ۹۸

- 
- * زندان زنان
 - * جدال بر سر دینه به کجا رسید؟
 - * حجاب اجباری یا اختیاری؟
 - * لزوم جرم انگاری تجاوز زناشویی
 - * قاتل زنان کیست؟
 - * تلخ و شیرین بحث تعدد زوجات
 - * اصحاب سیما و سینما زنان را چگونه می بینند؟
 - * نیازهای بدیهی و انکار شده ی نوجوانان
 - * دختر آبی

فهرست مطالب:

- ۲..... سخن سردبیر
- ۳..... سخن مهمان
- ۵..... برابری دبه کامل زن و مرد
- ۷..... قیام غیرت
- ۸..... حجاب الزامی یا اختیاری
- ۱۰..... موهبت بدونه مقدمه
- ۱۲..... زنان ناتمام
- ۱۴..... مراقب افزایش وزن خود باشید!
- ۱۵..... بهداشت روانی زنان
- ۱۸..... او هم زن بود
- ۱۹..... به نام زنان ایران زمین
- ۲۰..... مبانی جرم انکاری تجاوز ناشویی
- ۲۳..... دختر آبی
- ۲۴..... من ملاله هستم
- ۲۶..... هزار خورشید تابان
- ۲۷..... داستان یوسف و مریم کم تکرار است

حوا

حوا: اولین فصلنامه علمی-فرهنگی دانشگاه
الزهرا(س) در حوزه ی زنان و خانواده

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه الزهرا(س)

مدیر مسئول و سردبیر: مرضیه انبری

نویسندگان: آرزو سیفان، فاطمه علیزادینیا،
بهار سعیدی، آفاق فتاحی، پریسا تیموری،
فاطمه شاملو، الهام زارعی، ام البنین وکیل
زاده، زینب رستگار پناه، مرضیه انبری

استاد مشاور: دکتر الهام شریعتی

ویراستار: فاطمه پیران

صفحه آرا: مرضیه انبری

با تشکر از دکتر زهرامیرحسینی و سرکار
خانم وزیری که ما را در انتشار این شماره از
نشریه همراهی کردند.

@havvamag

@anjomanalzahra

@anjoman_islami_alzahra

۰۹۳۹۶۲۹۳۱۳۸

سر آغاز ...

اورینا فلانچی در کتاب جنس ضعیف، گزارش مفصلی درباره ی زندگی مردمان آسیا و به ویژه شرایط مصیبت بار زنان در کشورهای مختلف ارائه می دهد. وی به این واقعیت اشاره می کند که جسم و روح زنان متعلق به مردان خانواده بوده است و آنها در آسیب زدن به زنان خواه جسمی و خواه روحی اختیار کاملی داشتند، باوری که بر ساختی از فرهنگ های اجتماعی و برداشت های دینی آن کشورهاست و ایران هر چند به آن اشاره ای نشده است اما از مدل ((تعدی به نیمی از جامعه)) مستثنی نبوده است.

در سال های پس از انقلاب صنعتی که شکل جدیدی از سبک زندگی و تدوین قانون در سراسر دنیا ظهور یافت، تلاش های زیادی برای به رسمیت شناختن حقوق شهروندی زنان صورت گرفت تا درخانه و اجتماع قانون حامی زنان باشد. با مرور تاریخ معاصر ایران می توان انقلاب سفید را نمونه ایی از این تلاش ها دانست؛ هر چند که به دلیل نبود زیرساخت های اولیه به شکست محکوم شد.

به گزارش بانک جهانی حدود چهار دهه ی قبل بین سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ در ایران جمعیت زنان باسواد در ایران کمتر از ۲۰ درصد کل زنان بوده است، امید به زندگی حدود ۵۷ سال و مرگ و میر زنان بر اثر زایمان از بدیهی ترین اتفاقات بوده است. این آمار شادنی بر عدم وجود امکانات بهداشتی اولیه برای زنان بوده است و مجموع این واقعیت ها ما را متوجه جمعیتی می کند که هر چند قانون گذاران برای احقاق حقوقشان قانون جدیدی تصویب کنند اما باز هم از استفاده و حتی آشنایی با این قوانین عاجزند.

بنا بر گزارش اخیر بانک جهانی از ایران در سال های پس از ۲۰۱۵ در شاخص های امید به زندگی (۷۷سال)، سواد (۸۰درصد) و ورود به دانشگاه و بهره مندی از خدمات آموزشی تقریباً درحالت با مردان برابر هستند و تغییر و تحولات اجتماعی فرصتی را پدیدآورده است تا تلاش های بیشتری در جهت احیای حقوقی که زنان در اثر جبر محیطی از آن ها محروم شده اند، انجام شود.

مسائلی نظیر بازنگری در آرا فقه سنتی، تغییر و اصلاحات مداوم حقوق خانواده، سهمیه های قطعی زنان در بدست آوردن مناصب مدیریتی کشور، تامین زیر ساخت های رفاهی و تفریحی برای زنان و... که این روزها جز مسائل جزئی و اصلی محافل دانشگاهی و حتی سیاسی کشور است، هر چند ممکن است باز هم بحث اولویت بندی ها و تعلل در این بخش کشتی احیای حقوق زنان را به گل بنشانند.

امروزه مسائلی با اولویت های مختلف همه جز اهداف نهایی احیای حقوق زنان هستند و متاسفانه تمرکز بیش از حد بر اولویت بندی ها مانع از ورود به ماهیت اصلی مباحث می شود. برای مثال کسی درباره ی ماهیت اصلی دوچرخه سواری زنان صحبتی ندارد هرچه هست برحسب اینکه این موضوع اولویت چندم است و یا چه کسی آن را مطرح کرده وارد هزار توی جدال های لفظیه بی ربط سیاستمداران می شود.

شماره ی ششم از نشریه ی حوا به بررسی ماهیت پاره ایی از مباحث داغ در حوزه ی زنان می پردازد، تا پیش زمینه ایی برای ورود سال سوم نشریه ی حوا و اتخاذ رویکرد نوین تر باشد.

مرضیه انبری



ماوراء زندان زنان وضعیت زنان در زندان‌های ایران

دکتر زهرا سادات میرحسینی

اختصاص حیاط دارالتادیب زندان قصر که در بخش شمال غربی آن قرار داشت، جایی برای نگهداری زنان زندانی تخصیص داده شد (گودرزی، ۱۳۸۷: ۱۳۸). با این حال، اولین زندانی که به صورت مجزا، تحت عنوان «زندان زنان» در ایران شروع به فعالیت کرد، زندان زنان شهر ری است که از سال ۱۳۸۷ تاسیس شده و تا کنون مشغول به کار است.

نکته جالب توجه در ارتباط با زندان و زنان زندانی این مسئله است که از زمان تاسیس اولین زندان زنان تا کنون، علی‌رغم وجود ویژگی‌ها و نیازهای جنسیتی متفاوتی که میان زنان و مردان وجود دارد، تفاوت چندانی میان دستورالعمل‌ها و قوانین اعمال شده در میان زنان و مردان برقرار نشده است. این در حالی است که طی سالیان متمادی، سازمان زندان‌ها برنامه‌های آموزشی، مهارت‌آموزی و حرفه‌آموزی مختلفی برای زندانیان طراحی و اجرا نموده است که با توجه با فزونی جمعیت مردان در مقابل زنان، اغلب برای مردان طراحی شده و در جهت توانمندسازی آنها بوده و برای زنان نیز اجرا شده است که این مسئله ممکن است آسیب‌هایی را در ارتباط با زندگی زنان زندانی چه در دوران حبس و چه پس از آن به دنبال داشته باشد. از این رو به نظر می‌رسد، اتخاذ رویکردهای جنسیت‌محور در ارتباط با زنان زندانی می‌تواند برخی آسیب‌ها و مسائل مرتبط با زنان مجرم و سابقه‌دار را به ویژه در رابطه با نرخ تکرار جرم و بازگشت به زندان، کاهش دهد.

۲) زندان زنان و زنان زندانی در ایران:

نظام زندان و زندگی روزمره زنان زندانی، بخش قابل توجه و با اهمیت زندگی زنان مجرم است که کمتر مورد توجه قرار گرفته و تحقیقات محدودی نیز که در این حوزه انجام شده، بیشتر در ارتباط با علل و انگیزه‌های ارتکاب به جرم بوده و کمتر به مسائل زندانی و نظام زندان پرداخته شده است. در این یادداشت با وجود محدودیت‌هایی که در ارائه حجم مطالب وجود دارد به صورت مختصر و بر اساس نتایج پژوهشی که در پی نوشت ذکر شده، به توصیف زندگی روزمره زنان پرداخته شده. لازم به ذکر

۱) تاریخچه زندان زنان و مسائل آن
بررسی تاریخچه جرم‌شناسی نشان می‌دهد، تا دهه ی ۱۹۶۰ و گسترش حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و گسترش موج فمینیسم در غرب، در اکثر مطالعات کلاسیک‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی، از متغیر جنسیت غفلت شده و یا در خوشبینانه‌ترین حالت، جرایم زنان به عنوان بحثی حاشیه‌ای مطرح شده است. شاید بتوان علت این مسئله را در نرخ بسیار کم آمار جرایم زنان و زندانیان زن در مقایسه با مردان تفسیر کرد که در بسیاری مواقع کمتر از ده درصد کل جمعیت زندانیان را به خود اختصاص داده است. از سویی، یکی دیگر از علل بی‌توجهی جرم‌شناسان کلاسیک را می‌توان در تفاوت‌هایی که معمولاً در نوع و ماهیت جرایم زنان و مردان وجود داشته، توجیه نمود. به طوری که مطالعات نشان می‌دهد، معمولاً زنان مرتکب جرایمی سبک‌نظیر دزدی‌های کوچک و یا جرایم اخلاقی می‌شوند که در مقایسه با مردان خشونت کمتری را دربردارد. علاوه بر این، سیطره‌ی رویکردهای زیست‌شناسانه، که زنان را موجوداتی طبیعی و فی‌نفسه آرام و به دور از خشونت و جرم قلمداد می‌کرد موجب شده بود، تا جرم‌عملی مردانه فرض شود. بنابراین رویکرد، تنها زنی که «بد» و یا «دیوانه» است و از هنجارهای طبیعی و زنانه خود تخطی نموده، مرتکب جرم می‌شود (رجوع شود به صادقی و میرحسینی، ۱۳۹۳).

از همین رو، مطالعات بسیار اندکی در مورد جرایم زنان و مسائل آن در گذشته وجود دارد و می‌توان گفت تقریباً پیشینه‌ای نیز در رابطه با وضعیت زنان زندانی و یا زندان زنان نیز وجود ندارد، هرچند برخی یادداشت‌ها و مطالعات تاریخی شرحی در خصوص نحوه‌ی رفتار با زنان مجرم نوشته‌اند (رجوع شود به هیدنسون، ۱۳۸۸، فیروزی، ۱۳۸۵ و...)، با این حال اطلاعات دقیقی در این خصوص موجود نیست.

به طوری که بررسی تاریخچه زندان زنان در ایران نیز نشان می‌دهد، تا سال ۱۳۳۲ زندانی مختص به زنان و یا به اصلاح آن زمان، زندان «تسوان» وجود نداشته و اغلب زنان مجرم در خانه‌ای اجاره‌ای نگهداری می‌شدند. برای اولین در سال ۱۳۳۲ با

پس از پایان دوره به افراد مدرک فنی و حرفه ای می دهد و هم کارگاه های شغلی است و منبع درآمدی برای زندانیان. ساعت خاموشی در زندان معمولاً ۱۰ شب است و تا این زمان ممکن است، در برخی اتاق ها و بندها، زنان به دور یکدیگر جمع شوند. در زندان، زنان می توانند با توجه به کارت هایی که دارند از فروشگاه زندان مایحتاج خود را خریداری کنند. کارت هایی که معمولاً پس از ورود به زندان و گذران دوره قرنطینه، همراه با سایر وسایل مورد نیاز شخصی، به افراد داده می شود. این کارت ها معمولاً از طریق دستمزدی که بابت کار در زندان انجام می دهند، شارژ می شود. کارهایی نظیر راسته دوزی، دوخت روکش صندلی خودرو و... با این حال معدود زنانی هم هستند که کارت هایشان توسط بستگانشان در بیرون از زندان شارژ می شود. نکته جالب آن که اغلب زنان زندانی با کار در زندان و پس انداز، ماهیانه برای فرزندان خود پول می فرستند. در زندان امکان پخت غذا فراهم است ولی سازوکار خودش را دارد و می بایست هنجارهای زندان نظیر ساعت باز و بسته شدن آشپزخانه و همچنین حق تقدم قدرتمندان زندان رعایت شود.

یافته ها نشان می دهد، احساس ناامیدی از جمله مسائل زنان زندانی است که پیامدهایی نظیر بیماری های جسمی و روحی را برای آنها به دنبال دارد. دوری مسافت زندان، هزینه های حمل و نقل و همچنین طرد بستگان و فرزندان موجب می شود. تا بسیاری از آنها ماه ها از بستگان خود بی خبر باشند و حتی برخی از آنها به فکر خودکشی بیفتند. در زندان برای این افراد خدمات مددکاری اجتماعی و مشاوره موجود است و مددکاران اغلب با دلسوزی پیگیر مسائل داخل زندان و همچنین مسائل خانوادگی آنها هستند. در این میان برخی افراد خیر و گروه های داوطلب نیز وجود دارند که به زنان زندانی نیازمند و خواهان اصلاح و بازگشت به جامعه کمک می کنند.

پی نوشت:

-صادقی فسایی، سهیلا و میرحسینی، زهرا(۱۳۹۳)، تحلیل جامعه شناختی روایت زنان از زندان پس از آزادی، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۲، شماره ۳، صص ۳۴۵-۳۶۲.

-صادقی فسایی، سهیلا و میرحسینی، زهرا(۱۳۹۶)، زندگی پس از زندان چالشهای بازسازی برای زنان، پژوهشهای راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، دوره ۶، شماره ۳

-گودرزی بروجردی، محمدرضا و الوندی، مظفر(۱۳۸۲)، حقوق بشر در نظام کیفری و زندان-ها، چ اول، انتشارات راه تربیت.

-گودرزی بروجردی، محمدرضا؛ جوانفر، عباس(۱۳۸۲)، «نارسای-یهای زندان»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹ و ۱۰، صص ۱۴۸-۱۰۵.

-فیروزی، مهدی(۱۳۸۵) کرامت انسانی زندانیان، راهبردها و راهکارها، دفتر پژوهش های اسلامی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، قم، صفحه نگار

-میرحسینی، زهرا(۱۳۹۵)، پدیدارشناسی زمینه های ارتکاب جرم، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، دوره ۲، شماره ۸، (تاریخ انتشار، ۱۳۹۷).

-هیدنسون، فرانسیس (۱۳۸۹) زنان و مقوله جرم، ترجمه محمد تقی نوری، تهران، مجد.

است در این پژوهش با زنانی که در طول زندگی خویش حداقل سابقه ی یکبار حبس و زندان را داشته و در زمان مصاحبه دوران محکومیت خویش را سپری کرده اند، مصاحبه شده است.

یافته های تحقیق نشان می دهد، تجربه ی زندان و حبس برای اغلب زنان تجربه ی منحصر به فردی است که موجب جدایی آنها از نزدیکان و دوستانشان شده است. زندان برای اغلب زنان، فضایی مبتنی بر مناسبات قدرت، خشونت، ترس و مواردی نظیر این که بر تمامی ابعاد زندگی آنها تاثیرات مثبت و یا منفی باقی گذاشته است. در برخی افراد اثر اصلاحی دارد و در برخی از آنها نیز موجب بیماری روحی و جسمی، افسردگی، ناامیدی، طرد اجتماعی و خانوادگی و حتی تکرار جرم می شود. همچنین زندان، برای برخی زنان پیامدهایی نظیر از دست دادن اعتبار و آبرو، ایجاد حس انتقام و کینه توزی، طرد اجتماعی، آموزش و یادگیری بزهکاری و گسترش کارهای خلاف، از دست دادن شغل و مشکلات معیشتی و در نهایت از هم پاشیدگی کانون خانواده و جدایی از فرزند به دنبال دارد. این مسائل بویژه در میان زندانیان با حبس های طولانی مدت بیشتر آشکار می شود.

در بسیاری مواقع دستگیری و زندانی شدن زن، طرد خانواده و نزدیکان را به دنبال دارد. بسیاری از زنان زندانی ممکن است در طول دوران حبس خویش هرگز ملاقات کننده ای نداشته باشند و این خود آغازی است بر مسائل داخل زندان. احساس تهیایی و درماندگی، سرزنش های دایمی در کنار ترس از افراد خلافکار و سابقه دار زندان، مواردی است که زندگی زنانی که برای اولین بار به زندان می افتند را با چالش مواجه می سازد. در این میان نوع جرایم ارتكابی، تعداد سابقه ی افراد، همدستی همسر، وضعیت تاهل، سن و... مواردی هستند که بر چگونه سپری کردن زندان تاثیر می گذارد.

در بسیاری مواقع به علت مشکلات فضایی و کمبود جا، زندانیان بدون تفکیک بندی و طبقه بندی در کنار یکدیگر نگهداری شوند، با این حال به نظر می رسد مرزبندی های نامرئی میان زندانیان وجود دارد. به طوری که زندانیان موادی (در ارتباط با قاچاق، و حمل و نگهداری مواد) و زندانیان با سابقه ی سرقت جز افرادی هستند که اغلب زندانیان، بویژه زندانیان مالی از آنها دوری می کنند.

بحث قدرت و نوجه پروری در زندان از جمله مسائل قابل بررسی است. چنانچه برخی افراد سابقه دار و یا زنانی که حبس های بلندمدت دارند، با سوء استفاده از ماندگاری خود در زندان، اقدام به تشکیل باندها و گروه های داخل زندان و همچنین شبه خانواده ها می کنند که اغلب موجب ترس و وحشت زندانیان تازه وارد و حتی استعمار آنها می شود. باندهایی که زنان اغلب با الگوبرداری از رفتارهای مردانه؛ نظیر پوشیدن لباس های مردانه و انجام رفتارهای خشونت آمیز، صحبت با الفاظ و لهجه ای خاص، سعی به رخ کشیدن قدرت خود و جذب تازه واردین را دارند. از این رو بسیاری از زنان زندانی که خواهان بازگشت به زندگی عادی هستند و خانواده ای در بیرون از زندان منتظر آزادی آنهاست از نزدیکی به این افراد حذر کرده و خود را با برنامه ها و کلاس های روزمره زندان سرگرم می نمایند.

نتایج پژوهش ها نشان می دهد؛ اغلب زنان زندانی در داخل زندان، برنامه های خاصی برای گذران زندگی دارند که با یکدیگر مشابه است. برنامه هایی نظیر ساعت بیدارباش و خاموشی، هواخوری و شرکت در کلاس های مختلف آموزشی، جلسات مشاوره و حرفه آموزی. برنامه هایی که اکثراً اختیاری است ولی شرکت در آن امتیازاتی نظیر اجازه مرخصی و... را به دنبال دارد. به طور روزمره زندانیان هر روز صبح ساعت ۶ بیدارباش دارند و بعد از صرف صبحانه، کارگاه های مختلف از آرایشگری تا خیاطی و... برگزار می شود. این کارگاه ها هم جنبه ی آموزشی دارد که

۶۶ کارت هایی به افراد داده می شود. و معمولاً از طریق دستمزدی که بابت کار در زندان انجام می دهند، شارژ می شود. با این حال معدود زنانی هم هستند که کارت هایشان توسط بستگانشان در بیرون از زندان شارژ می شود. نکته جالب آن که اغلب زنان زندانی با کار در زندان و پس انداز، ماهیانه برای فرزندان خود پول می فرستند.



۶۶ در زندان کارگاه های مختلف از آرایشگری تا خیاطی و... برگزار می شود. این کارگاه ها هم جنبه ی آموزشی دارد که پس از پایان دوره به افراد مدرک فنی و حرفه ای می دهد و هم کارگاه های شغلی است و منبع درآمدی برای زندانیان.

50/50

بررسی ابعاد رای وحدت رویه دیوان عالی کشور درباره برابری دیه کامل زن و مرد

ارزو سیفان

صرفاً اختصاص به جوامع امروزی ندارد. بلکه بشر در طول تاریخ با چنین پدیده‌ای همواره مواجه بوده و همواره با آن به مقابله برخاسته است، چرا که این یک مسئله‌ی عقلی و بدیهی است. یکی از شیوه‌هایی که امروزه در برخی از نظام‌های حقوقی برای مجازات جنین افرادی که حق حیات دیگری را سلب کنند در نظر گرفته شده است، پرداخت خسارت‌های مالی است که از آن در فقه اسلامی به «دیه» تعبیر می‌شود.

قرآن کریم اصل پرداخت دیه به خانواده مقتول را در مورد قتل غیر عمدی مقرر کرده است ولی نه میزان آن را تعیین کرده و نه اشاره‌ای به تفاوت بین زن و مرد نموده است. اگر به آیات و روایات رجوع کنیم، مشاهده شود که آیه ۹۲ سوره نساء در خصوص مقدار دیه کامل زن و مرد سکوت کرده است. اما برخی روایات بر نابرابری جنسیتی دیه، دلالت دارند، که در منابع شیعه و سنی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده‌اند و بر این اساس مقدار دیه قتل انسان صد شتر قرار داده شده است و ظاهراً این حکم، حکم امضایی است یعنی در جاهلیت نیز حداقل در بعضی موارد این وضع رعایت شده است. در برخی روایات دیگر که به پیامبر اکرم (ص) نسبت داده شده و البته روایات زیادی که از کتب شیعه نقل شده، دیه زن علی‌الاصول نصف دیه مرد ذکر شده است. میان فقهای شیعه برخی در دلایل نقلی مربوط به نصف بودن دیه زن تردید کرده‌اند و به نحوی این تردید خود را ابراز داشته‌اند ولی در عمل همان نظر نصف بودن را به لحاظ وجود اجماع پذیرفتند. از فقهای معاصر بعضی تمسک به اطلاق قرآن و روایات را در مورد دیه قتل غیرعمدی قوی تر دانسته و به مساوات دیه زن و مرد فتوی داده‌اند. بعلاوه، روایات سه گروه دال بر تنصیف دیه بر مبنای جنسیت نقل شده از امام صادق (ع) هستند، به این شرح که ایشان در روایتی دیه زن را نصف دیه مرد دانسته‌اند و نیز در روایتی دیگر، دیه جنین را به نحوی تبیین نموده‌اند که پس از دمیدن روح، دیه جنین مؤنث، نصف دیه کامل خواهد بود، همچنین در روایتی دیگر از ایشان نقل گردیده که اگر مردی، زنی را که در حال زایمان است به اشتباه بکشد، پنج هزار درهم به عنوان دیه

امروزه یکی از مسایل مهم و مورد توجه جامعه بین‌المللی، مساله حفظ و رعایت حقوق زنان و مراعات تساوی حقوق زن و مرد و عدم تبعیض بر اساس جنسیت است. این احساس، مخصوصاً در بین بسیاری از زنها وجود دارد که در طول تاریخ، حتی در دوران کنونی نیز با همه پیشرفت‌های زنان و تحولاتی ایجاد شده باز هم در بسیاری از موارد، مورد ظلم، تجاوز و تبعیض قرار می‌گیرند. تلاش طرفداران تساوی حقوق زن و مرد جا انداختن یک فرهنگ جهانی در ابعاد کامل و وسیع است تا بیان‌کننده‌ی این باشد که زن همانند مرد از ظرفیت‌ها و توانایی‌ها و درک و شعور یکسان برخوردار است و مسائلی چون ظرافت جسمی-روحی، وظیفه بارداری و پرورش طفل که طبیعت به عهده او گذاشته از ارزش انسانی و شعور اجتماعی او نمی‌کاهد.

در منابع اسلامی همچون قرآن کریم، عمدتاً به زن به عنوان یک انسان کامل که با مرد از یک منشاء آفریده شده‌اند و مکمل یکدیگر هستند یاد شده است. همچنین از لحاظ کرامت انسانی، نیل به مقامات عالی معنوی، قبول مسئولیت و توانایی اعمال تدبیر همانند مرد از او سخن به میان آمده است. برای نمونه می‌توان به آیات ۱ و ۲ سوره نساء، ۳۵ سوره احزاب و نظایر آن اشاره کرد.

در این میان یکی از موضوعات چالش برانگیز در حوزه زنان، موضوع نابرابری دیه کامل زن و مرد است که به دنبال آن شاهد ظهور سوالات متعددی هستیم. همچون فلسفه‌ی این تفاوت، تطابق این مسئله با عدل الهی و ...

در هر جامعه‌ای، اساس وضع قوانین برای حفظ حقوق شخصی افراد و ایجاد نظم عمومی است. انسان در زندگی دنیوی از حقوقی از جمله حق حیات بهره‌مند است. به طوری که هیچ کس اجازه تعدی به این حق را همانند سایر حقوق ندارد، بنابراین اگر فردی عمداً یا سهواً دیگری را از چنین حقی محروم کند باید تاوان آن را بپردازد. در جوامع مختلف بشری به اقتضای شرایط و ضوابط حاکم بر آن مجازات‌های متفاوتی را برای تجاوزگر به این حق در نظر گرفته شده است که این امر

مرد نبوده است، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارات‌های بدنی پرداخت می‌شده است، اما با توجه به اینکه در چند شعبه تجدیدنظر در استان‌های مختلف با استنباط متفاوت از تبصره ذیل ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی، آرای متعارض صادر شده بود؛ به طوری که برخی از این شعب، پرداخت تفاوت دیه زن و مرد از سوی صندوق تأمین خسارات‌های بدنی را منحصر به جنایت علیه نفس (قتل نفس) و برخی دیگر پرداخت آن را شامل مطلق جنایت علیه نفس و عضو دانسته‌اند، هیأت عمومی دیوان عالی کشور با توجه به حکم ماده ۴۷۱ قانون آئین دادرسی کیفری تشکیل جلسه داد و برای رفع تعارض، اقدام به صدور یک رأی وحدت رویه کرد؛ رأی که همچون سایر آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور، برای دادگاه‌ها در حکم قانون است و فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه موخر، بی‌اثر می‌شود. هیأت عمومی دیوان عالی کشور در این رأی تأکید کرد که در کلیه جنایات علیه زنان، اعم از نفس یا اعضا، مابه‌التفاوت دیه مربوط به آنان، باید از محل صندوق مذکور پرداخت شود و این موضوع اختصاص به «دیه نفس» ندارد در نهایت مقدار دیه زنان در همه ی موارد اعم از قتل و تصادف و... که منجر به فوت آن‌ها شود، با مردان برابری می‌کند، و نتیجه ی ۲۹ سال فراز و نشیب‌ها و انتقادهای موافقان و مخالفان برابری یا نابرابری دیه زن با مرد و طرح راهکارهای متعدد و مختلفی چون، پرداخت مابه‌التفاوت دیه زنان نسبت به دیه کامل از صندوق تأمین خسارات بدنی و نیز پرداخت تفاضل دیه جهت اجرای قصاص نفس قاتل زنان در برخی شرایط را از بیت المال و پرداخت مابه‌التفاوت دیه توسط بیمه و... بحث و بررسی این موضوع در نهایت در حال پایان‌گرفتن است.

در نهایت آن که تفاوت کارکرد اقتصادی زن و مرد، امری متغیر است و در جوامع مختلف و فرهنگ‌های گوناگون، شکلی ثابت ندارد و امروزه نظام اقتصادی خانواده شکل دیگری به خود گرفته است. لذا با توجه به تأکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر تساوی افراد اعم از زن و مرد و صدور حکم مشابه در خصوص تساوی دیه غیرمسلمان با مسلمان با استناد به حکم حکومتی مقام معظم رهبری توسط مجمع تشخیص مصلحت در سال ۱۳۸۴، صدور قانون برابری دیه زن با مرد می‌تواند امر درست و صحیح باشد. اکنون بستر برابری دیه زنان و مردان در سایر جنایات بر نفس یا عضو فراهم شده است. با نگاهی به حجم قابل تأمل حوادثی که زنان قربانی آن هستند و همین‌طور با کمال تأسف زده‌خوردهای زناشویی منجر به آسیب عمده و غیرعمدی اعضای بدن زن توسط شوهر یا سایر بستگان سببی و نسبی و حتی قتل عمده و غیرعمده از ناحیه مرد این برابری می‌تواند عامل بازدارنده‌ای در وقوع حوادثی این‌چنینی باشد. به نظر می‌رسد در عصر کنونی که سطح فرهنگ عمومی و نیز بینش‌های فقهی در افق فقه شیعیان و اهل سنت ارتقاء یافته است و استعدادهای ذاتی و عرضی زنان هم در ظهور خود به درجات برتر رسیده‌اند، مجالی برای نصف دانستن دیه زنان در برابر دیه مردان در فقه اسلام وجود ندارد.

زن بر عهده مرد است و برای فرزند، یک برده مرد یا زن و یا چهل دینار دیه تعلق می‌گیرد. با توجه به اشکال در سندیت این روایات، وثاقت برخی از بیان‌کنندگان آن‌ها، اختصاص روایت سوم بر موضوعی خاص، عدم قابلیت تعمیم آن به موارد مشابه و نیز عدم هماهنگی محتوای آن با فتوای اصحاب، اعتبار این روایات مخدوش می‌گردد. دسته دوم روایات ناظر بر مواردی هستند که قصاص مرد آزاد در برابر زن آزاده را منوط به پرداخت نیمی از دیه به خانواده مرد مقتول نموده است که این امر نیز جز در صورتی که دیه زن، نصف دیه مرد باشد وجهی ندارد. لکن صرف‌نظر از آن که در متن قرآن نمی‌توان به آیه صریحی دال بر تصویف دیه زن در برابر مرد دست یافت، به دلیل مغایرت این روایت با محتوای احکام مندرج در قرآن کریم، در قابلیت استناد به این روایت تردید به وجود می‌آید. سندیت دسته سوم روایات هم که دیه اعضای بدن زن و مرد را تا یک سوم دیه کامل، برابر و پس از آن نصف دانسته است، مورد تردید می‌باشد.

نتیجه آن که اشکال‌های وارد بر روایات مورد بحث و نیز تردید در تحقق اجماع و تغییر در وجوه عقلی و استحسانی ناظر بر تفاوت دیه کامل زن و مرد دال بر این است که جایگاه اجتماعی و اقتصادی را منحصر برای مردان در جامعه تصور شده است و موجب تضعیف قابلیت استناد ادله فوق‌الذکر گردیده است.

از سوی دیگر، طبق نص صریح قرآن و بسیاری از روایات نبوی ارزش انسان به انسانیت او است و این کتاب بر برابری میان زن و مرد و تساوی ضمانات اجرای اعمال نیک و بد افراد تأکید نموده است. همچنین آیه ۱۷۸ سوره بقره در جهت توجیه اصل شخصی بودن مجازات‌ها و لزوم تحمل مجازات عمل مجرمانه توسط خود مرتکب قابل تفسیر است و نه برابری جنسیتی در اعمال مجازات.

امروزه بسیاری از موانع جدی که بر سر راه پیشرفت زنان بوده، برداشته و احقاق حقوق زنان در بسیاری از زمینه‌ها حاصل گشته است. در زمانه فعلی زنان اخیراً در بسیاری از موقعیت‌های حرفه‌ای مشغول به کار و فعالیت اقتصادی هستند. در طی ۳۰ سال گذشته در عین وقوع انقلاب اسلامی نگرش افراد نسبت به مشارکت‌های اجتماعی زنان نیز دستخوش تغییر گشت. بسیاری از مردان با فعالیت‌های زنان عنادی ندارند و زنان نیز به قابلیت‌های خود واقف گشته‌اند. امروز اکثریت زنان جوان مایلند که زندگی خانوادگی، ازدواج، بچه و شغل را با هم داشته باشند و بر خلاف گذشته که مردان خود را نان‌آور خانواده می‌دانستند و اصرار بر خانه‌نشینی و محدود ساختن زنان به وظایف خانه‌داری و بچه‌داری می‌کردند اما امروز بسیاری از آنها بر این باورند که زن و شوهر در مسئولیت‌ها، خانه‌داری، نگهداری از بچه‌ها و نان‌آوری باید مشارکت داشته باشند.

همچنین بسیاری از رهبران سیاسی و مذهبی نیز بر این امر تأکید می‌کنند که موقعیت زنان باید بهبود و گسترش یابد. در نتیجه همه‌ی این مطالب باید گفت که در تمام فراز و نشیب‌های قانون مجازات مالی و دیه، از تصویب تبصره ی ذیل ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی که در کلیه جنایاتی که مجنی‌علیه

۶۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با توجه به حکم ماده ۴۷۱ قانون آئین دادرسی کیفری تشکیل برای رفع تعارض، اقدام به صدور یک رأی وحدت رویه کرد؛ رأی که همچون سایر آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور، برای دادگاه‌ها در حکم قانون است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور در این رأی تأکید کرد که در کلیه جنایات علیه زنان، اعم از نفس یا اعضا، مابه‌التفاوت دیه مربوط به آنان، باید از محل صندوق مذکور پرداخت شود و این موضوع اختصاص به «دیه نفس» ندارد در نهایت مقدار دیه زنان در همه ی موارد اعم از قتل و تصادف و... که منجر به فوت آن‌ها شود، با مردان برابری می‌کند





قیام غیرت

گزارشی پیرامون واقعه ی مسجد گوهرشاد

فاطمه علیزادینیا

روی آنان آتش گشودند و تعداد زیادی را کشتند و زخمی کردند، ولی مردم مقاومت کرده و سربازان نیز بنا به دستوری که به آن ها رسیده، مراجعت کردند. به دنبال این حادثه مردم اطراف مشهد با بیل و داس و... به سوی مسجد حرکت کردند.

فردای آن روز عده زیادی از مردم مشهد تظاهرات پرجمعیتی علیه اجباری شدن کلاه شاپو و یکسان سازی لباس برگزار کردند و به مسجد گوهرشاد آمدند. سران نظامی و انتظامی مشهد این بار بنا به دستور رضاخان با تجهیزات کامل و افراد فراوان در نقاط حساس مستقر شدند و تفنگ ها، سلاح های خودکار و حتی توپ ها را به منظور سرکوب مردم به میدان آوردند. در اجتماع مردم مشهد در گوهرشاد، مرحوم شیخ محمدتقی بهلول سخنان تندى علیه دولت ایراد کرد و خواهان مقاومت مردم شد. پاسخ حکومت به این اعتراض آرام و مدنى مردم مشهد، کشتار معترضین بود. در حوالی ظهر مأمورین نظامی و انتظامی از هر سو به مردم هجوم آورده و در داخل مسجد به کشتار آنان پرداختند. طبق گفته منابع تاریخی، حدود دو هزار نفر در این فاجعه ملی کشته و زخمی شدند.

در دستورالعمل ریاست شهربانی — که قبلاً به آن اشاره شد — به رئیس نظمیته خراسان درباره لزوم فرماندهی عملیات تحت امر شهربانی، و زمان اجرای آن خاطر نشان شده است: «امشب (شب ۲۲ تیرماه و نیمه شب یکشنبه) در موقعی که تردد موقوف و جمعیت متحصنین هم تقلیل یافته است غفلتاً عده کافی، هرچه بیشتر بهتر، با فرم و لباس سویل از قوای دربانان، آژان، صاحب منصب گسیل و مأموری سویل [همراه] افسر و سرباز غفلتاً به مسجد وارد و کلیه متحرکین اعم از علما و تجار و کسبه و غیره را دستگیر و بدون درنگ از مسجد یا ضمن خارج و سرعت طرق (یکی از روستاهای اطراف مشهد هرچه دورتر بهتر تحت الحفظ اعزام و همچنین هرکس را در خارج آستانه و مسجد تا به حال تشخیص داده‌اید در این امر مداخله دارد آنها را هم دستگیر و همین عمل را درباره آنها اجرا دارید». در ادامه درباره مخفیانه بودن عملیات آمده است: «باید عملیات شما تا قبل از اجرا، فوق العاده در پرده و مستور بوده که متحصنین آگاهی حاصل نکنند و در اجرای امر نهایت فداکاری از طرف شما و مأمورین باید به عمل آید». در پایان نیز تصریح گردیده است: «بعد از دستگیری اشخاص فوق [عوامل شناخته شده قیام] جمعیت را هم فوراً از صحن و مسجد و نقاط دیگری که تجمع کرده‌اند خارج نموده و بعد هم هیچ کس را نگذارید داخل شود» و در نهایت برای جلوگیری از تجمع مجدد مردم تأکید شده است: «هر اقدام شدیدی که لازم است بکنید که غائله تجدید نشود». پاسخ رئیس

رضا شاه پس از تصویب قانون متحدالشکل نمودن البسه در ششم دی ماه ۱۳۰۷ و نتیجه ندادن آن تصمیم گرفت زن ایرانی را به هر قمیتی بی‌هویت کند تا به مذاق بیگانه خوش بیاید و سرانجام در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ دستور ممنوعیت حجاب در ایران صادر شد. بی‌تردید از پلیدترین ترفندهای دشمنان اسلام، توطئه کشف حجاب زنان بود. رضا خان، به مخالفت خود با اسلام همچنان ادامه داد. او در جمع نمایندگان مجلس، پس از بازگشت از ترکیه می‌گوید: «کوشش من این است که ایرانیان را در طریق ترقی و قبول تمدن جدید (غریزدگی) وارد کنم. اما مردم متأسفانه حاضر نیستند، خود را برای زندگی عصر جدید حاضر نمایند.»

۲۸ خرداد ۱۳۱۴ دولت محمدعلی فروغی در یک بخشنامه آمرانه که از تبعات سفر رضاشاه به ترکیه در ۱۲ خرداد ۱۳۱۳ بود، مردم ایران را ملزم کرد که از کلاه پهلوی (یک لبه) دست برداشته و کلاه بین المللی تمام لبه ای به اسم شاپو استفاده کنند. طبق این بخشنامه اگر یک کارمند دولتی از این دستور اطاعت نمی‌کرد باید قید شغلش را می‌زد! دو روز بعد نیز دولت بخشنامه دیگری ابلاغ کرد که طبق آن، مجالس ختم اموات فقط در مساجد معدودی که بلدیة (شهرداری) اجازه می‌داد باید برگزار می‌شد و استعمال چای، قهوه، قلیان و سیگار نیز در این مجالس ممنوع اعلام شد.

دستورات آمرانه دولت فروغی که به پشتوانه فکری و اجرایی شخص رضاشاه اعلام می‌شد طبیعی بود که بر مردم گران آید و در این میان، مشهدی‌ها پیشتاز اعتراض شدند. علما و روحانیون مشهد طی جلساتی پنهانی تصمیم گرفتند با این حرکت مقابله کنند و حکومت را از این کار بازدارند. در یکی از این جلسات پیشنهاد شد آیت الله حاج آقا حسین قمی به تهران برود و در مرحله اول با رضاشاه مذاکره نماید تا شاید بتواند او را از اجرای تصمیماتش باز دارد. وقتی آیت الله قمی به تهران آمد، بلافاصله از سوی حکومت دستگیر و ممنوع الملاقات شد. سایر روحانیون نیز در مساجد و مجالس، به آگاه کردن مردم پرداختند. مسجد گوهرشاد از جمله مکان های تجمع مردم بود. اجتماعات مردم در این مسجد هر روز بیشتر می‌شد و شهر حالت عادی خود را از دست می‌داد و سخنرانان نیز به ایراد بیانات آتشین می‌پرداختند.

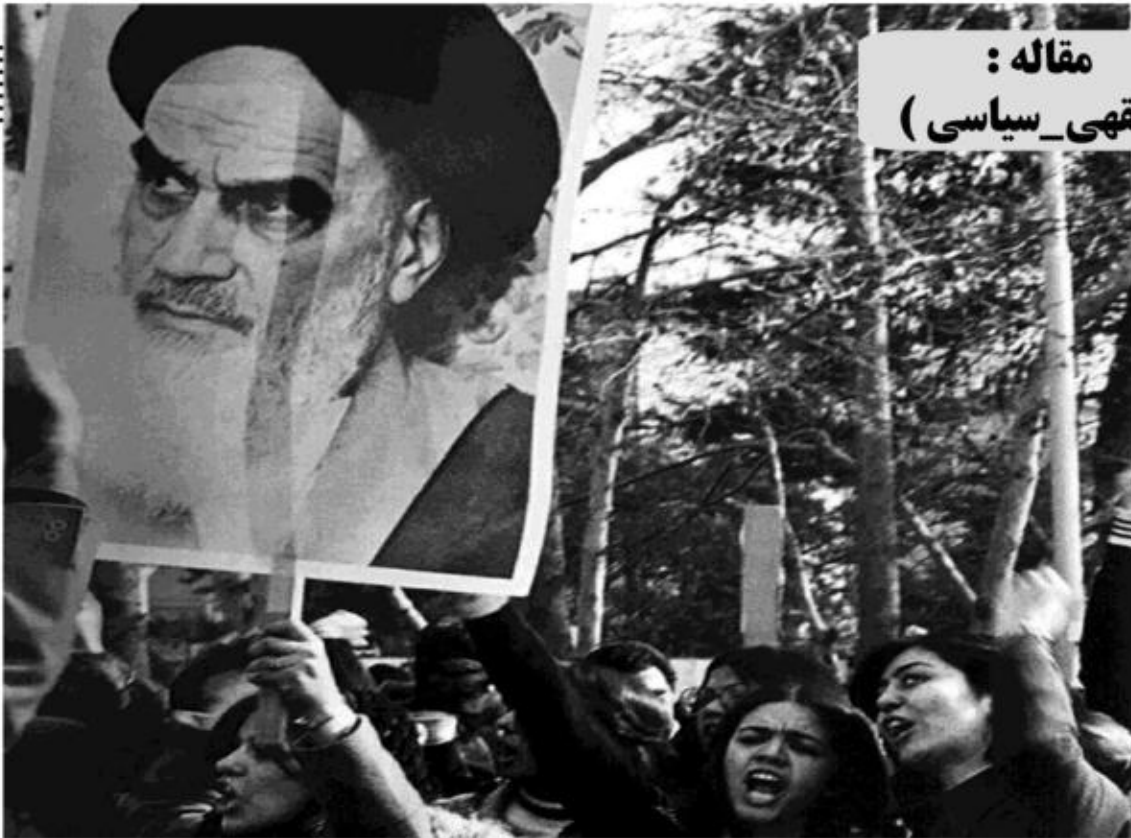
همزمان با بازداشت حاج آقا حسین قمی، در مشهد نیز به دستور حکومت، روحانیونی همچون شیخ غلامرضا طبسی و شیخ نیشابوری دستگیر شدند. صبح روز جمعه ۲۰ تیر ۱۳۱۴ نظامیان مستقر در مشهد برای متفرق ساختن مردم وارد عمل شدند و به

خیال می‌کردم این کار را در بهار ۱۳۱۵ بکنم ولی حالا بواسطه حوادثی که در خراسان پیش آمده است و بعضی از اشرار در مسجد گوهرشاد تجمع کرده بودند و متفرق شدند و خیانتکاران مجازات شدند زمینه حاضر است باید به فوریت این جلسه را حاضر کنید.»

خاطرات آن روزها اگرچه روح و روان مبارزین نسل های انقلاب اسلامی را خراش می دهد اما شاید کامل ترین تراژدی تاریخ باشد که در آن غیرت مرد ایرانی حرف تمام کننده را می زند. غیرتی که حاضر است خون بدهد ولی چشم های ناپاک امنیت روانی ریحانه اش را از بین نبرند. در حقیقت واقعه گوهرشاد پاسخی بر آغاز تقابل زنان و مردان غیور ایرانی با اصالیشان بود. اصالتی که ریشه در تاریخ داشت. شاید مردم ایران نمی دانستند که پس از سفر رضا شاه به ترکیه چه در انتظار آن هاست. اینکه زنان باید بین خانه نشینی و حضور در اجتماع و یا حتی مرگ و زندگی یکی را انتخاب می کردند.

شهربانی مشهد حاکی است: «الساعه پنج عصر بر حسب امر فرمانده محترم لشکر، اطراف صحن و مسجد به وسیله قوای نظامی و انتظامی و پلیس محصور گردید.» (منبع: بیات) حجت الاسلام مرعشی قزوینی، یکی از دستگیرشدگان، در بازجویی خود، کیفیت تهاجم را چنین شرح داده است: «شش ساعت از شب که گذشت، صدای کلنگ از دو طرف با هیاهوی نظامی بلند شد. در عرض چند دقیقه درهای مسجد را خرد کرده و به داخل مسجد ریختند. مردم از هر طرف فرار کردند، اما از عقب درها آماج گلوله قرار گرفتند، بقیه هم در مسجد و دچار تیرباران بودند... چیزی که دیده شد زمین مسجد مالمال خون بود.»

رضا شاه پس از سرکوبی این قیام در تیرماه ۱۳۱۴ خطاب به علی اصغر حکمت وزیر معارف اظهار می‌دارد: «سابقاً به شما گفته بودم یک روز جلسه بکنید و خانمها هم حاضر شوند و حجاب از میان برداشته شود ولی آن وقت هنوز مصمم نبودم و



مقاله :
(فقهی_سیاسی)

حجاب الزامی یا اختیاری

بررسی منظومه فکری مخالفان و موافقان قانون گذاری مدنی بر اساس شریعت

بهار سعیدی

به این پرسش علاوه بر پاسخ های عقلی، پاسخ ها و توجیه های دینی نیز مطرح است.

از منظر مخالفان با الزام حجاب نکته مهمی مطرح می شود، این که در حاکمیت دینی الزام حکومتی به دین و دینداری تعلق می گیرد. زیرا مقوله الزام همراه با حکومت است. حال آن که کسی با الزام و اجبار به چیزی معتقد نمی شود. اعتقاد در فضایی آزاد و رها از هرگونه اکراه و اجبار تحقق پیدا می کند. در بخش تکالیف دینی نیز همین ایراد وارد است، حکومت دینی نمی تواند با اجبار و زور مردم را ملزم به انجام تکالیف دینی نماید. عمل از روی اجبار ارزشی ندارد، به خصوص درباره تکالیف فردی که

پیرامون موضوع حجاب و پوشش زنان مسائل مختلفی مطرح می شود. در این میان چگونگی مواجهه حکومت با موضوع حجاب مسئله مهم و بحث برانگیزی است. آیا حکومت می تواند زنان را ملزم به رعایت حجاب کند؟ آیا توجیهی از سوی حکومت برای الزام مردم به حفظ پوشش وجود دارد؟ یا آن که چنین الزام حکومتی اساساً مردود است و هیچ عنوان دلیلی که حکومت با تکیه بر آن بتواند مردم را به رعایت حجاب الزام کند وجود ندارد؟ حال آن که یک حکومت دینی جدای از موارد فوق با این سوال نیز رو به رو است که آیا از منظر شرع، حاکم اسلامی مجاز به الزام فرد و جامعه به انجام چنین امری می باشد یا خیر؟ در پاسخ

خداوند درباره انسان انتخاب و عمل با اراده او بوده است. بنابراین با این که خدا راضی به عصیان و کفر نیست اما مشیت او بر تحقق اهداف دین به هر قیمتی قرار نگرفته و ایصال به اهداف را در تمام امور اعتقادی و عملی با مقررات کیفری نخواست است و تنها در اموری معین که در فقه از آن به «حدود» تعبیر شده است، کیفر تعیین کرده و این کیفرها در حوزه اجتماعی عمدتاً بر مبنای تجاوز به حقوق دیگران است. بنابراین هر چند در میان متون فقهی درباره ضرورت تثبیت فرهنگ حجاب سخن گفته شده، اما درباره الزام حجاب از سوی حکومت سخنی گفته نشده است.

موافقان الزام حجاب نیز با در نظر گرفتن این موضوع که در هیچ یک از روایات و احادیث به صورت واضح و شفاف از لزوم حجاب اجباری در جامعه اسلامی سخنی آورده نشده است، اما با استناد به آنها این گونه برداشت می شود که اساساً نفس تکالیف شرعی بر لزوم حکومت اسلامی دلالت دارد؛ چنان که به طور مثال امام علی (ع) می فرمایند: «امام مردم را به پرداختن زکات وادار می کند چه خدای متعال گفته است از مال های ایشان زکات بگیر که آنان را پاک می کنی.» (حکیمی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۹۶) امام صادق (ع) نیز می فرمایند: «اگر مردم حج را تعطیل کردند بر امام واجب است که آنان را به گذراندن حج مجبور کند. خواه خواهد و خواه نخواهد زیرا این خانه برای حج نهاده شده است.» (مجلسی، ۴۰۳، ج ۹۹، ص ۱۸)

با استناد به این سخنان این گونه برداشت می شود که حاکم اسلامی در پی الزام کسی به پذیرش تکلیف شرعی نیست بلکه در پی تحقق آن است. حال آن که مصالح جمعی در اعمال عبادی نیز مترتب است. از این رو به صرف عبادی بودن نمی توان تکالیف جمعی را از فردی تفکیک کرد. مهمترین نکته در این دیدگاه آن است که عمل و نظر به عنوان دو ساحت متفاوت در دین به رسمیت شناخته می شود. حجاب در ساحت یک رفتار عملی ملزوم است چرا که عدم رعایت آن با تضييع حقوق دیگران همراه است. عبارت «لا اکراه فی الدین» نیز متوجه ساحت نظر است و به این معنی است که پذیرش دین و اعتقاد پیدا کردن به موضوعی اساساً اجبار بردار نیست مثلاً نمی توان با تهدید به کشتن کسی او را مجبور کرد تا در ذهن خود وجود خدا را بپذیرد! بنابراین حجاب به عنوان یک مسئولیت و تکلیف اجتماعی مطرح می شود که اعتقاد داشتن یا نداشتن به آن تغییری در نوع مواجهه با آن به وجود نمی آورد.

استناد مستقیم یا غیر مستقیم به سخن و اراده غیر الهی، توجیه غیر دینی است و چنین توجیهی اخلاص نظری و عملی حکومت اسلامی را زایل کرده و آن را به حکومت التقاطی تبدیل می کند و مشروعیت دینی اعمال حکومت هنگامی است که مستند به تکالیف شرعی باشد.

مربوط به رابطه میان خدا و فرد است و بالاخص در خصوص احکام عبادی که باید همراه با قصد قربت باشد؛ الزام بی معنا است. قصد قربت عملی قلبی است که الزام آور نیست. بدیهی است هرگونه اجبار نتیجه معکوس دارد و قدرت و شدت مایه تنفر و انزجار و رواج ربا و نفاق عملی در جامعه می گردد. بنابراین در حکومت دینی نباید هیچ الزامی در تکالیف الهی برقرار شود.

در مقابل، موافقان الزام حجاب بر این نظر هستند که حتی اگر کاربست قدرت و شدت در الزام افراد به حجاب مایه انزجار و رواج ربا و نفاق در جامعه گردد، اهمیت چندانی ندارد چرا که برخلاف نظر قالب افراد جامعه اساساً هدف از الزام حجاب رواج دین داری و ترغیب مردم به انجام تکالیف الهی نیست. حکومت مربوط به ساحت عمل است نه نظر. کارگزاری حاکمیت ناظر بر اعمال افراد جامعه است و در این دیدگاه عدم رعایت حجاب نتایج را به دنبال خواهد داشت که تهدیدی برای اخلاق در جامعه محسوب شده و به این جهت، موجب تضييع حقوق دیگر افراد جامعه می گردد. فی الواقع حجاب از این حیث به مثابه یک مسئولیت اجتماعی مطرح می شود که فارغ از اعتقاد داشتن یا نداشتن به آن الزام آور است. می توان گفت با وجود این که هم عقیده بودن افراد جامعه با حکومت در ساحت نظر اهمیت ویژه ای دارد اما در ساحت عمل هم عقیده بودن اهمیت ندارد. وقتی حکومت فردی را محکم به مجازات می کند مربوط به عمل او است نه نظر او. در نتیجه آن که قصد قربت در اعمال عبادی نمی تواند مانع از تعلق الزام حکومتی به آن شود.

در تفکر مخالفان الزامی بودن حجاب در حکومت اسلامی با استناد به آیات و روایات این گونه برداشت می شود که هر چند در آیات و روایات نکات بسیاری درباره رعایت پوشش و عفاف زنان آمده است اما هرگز نکته ای که دلالت بر الزام و اجبار حجاب و مجازات بدحجاب داشته باشد، وجود ندارد. اساساً حرمت شرعی نباید، جرم قانونی به حساب آید. این سوال مطرح است که بی حجابی در چه مقدار و حدی، ناهنجاری اجتماعی و تحریک جنسی و فساد آور است و موجب به هم خوردن نظام اجتماعی می شود؟ نمایان شدن مقداری از مو و بدن و پا، مایه فساد اخلاقی نیست و منظور هم از رعایت نکردن پوشش تبرج و آراستگی نیست. خداوند با فرستادن پیامبران و جعل شریعت می خواهد اهداف و مقاصد خود را پیاده کند و فلسفه کیفر و پاداش در قیامت برای این است که افراد به امید پاداش یا از ترس عذاب الهی در مقام اطاعت دستورات او برآیند. خداوند نمی خواهد مردم را با غل و زنجیر به بهشت ببرد و از رفتن به جهنم باز دارد، و اگر نه اراده و اختیار به آنها نمی داد. به تعبیر قرآن آنها را آفرید تا بیازماید کدام یک از آنها بهتر و نیکوتر عمل می کند. (ملک، ۲) و حتی با یکدیگر رقابت کنند (کهف ۷). به همین دلیل مشیت

66 در تفکر مخالفان الزامی بودن حجاب در حکومت اسلامی با استناد به آیات و روایات این گونه برداشت می شود که هر چند در آیات و روایات نکات بسیاری درباره رعایت پوشش و عفاف زنان آمده است اما هرگز نکته ای که دلالت بر الزام و اجبار حجاب و مجازات بدحجاب داشته باشد، وجود ندارد. اساساً حرمت شرعی نباید، جرم قانونی به حساب آید.



66 موافقان الزام حجاب نیز می گویند اساساً نفس تکالیف شرعی بر لزوم حکومت اسلامی دلالت دارد



66 مهمترین نکته در این دیدگاه آن است که عمل و نظر به عنوان دو ساحت متفاوت در دین به رسمیت شناخته می شود. حجاب در ساحت یک رفتار عملی ملزوم است چرا که عدم رعایت آن با تضييع حقوق دیگران همراه است. عبارت «لا اکراه فی الدین» نیز متوجه ساحت نظر است





از انواع پوشش‌هایی که در ایالات متحده آمریکا برای به رسمیت شناخته شدن نوع فرهنگی آمریکا استفاده می‌شود. و استفاده از آن بر این بخش سواد تحصیلی ترمیمی دارد.

موهبت بدون مقدمه

فرضیه های مطرح من باب نتایج روانی و اجتماعی اختیاری شدن حجاب

آفاق فتاحی

طرف دولت تضمین می‌شود. همچنین در اصل پنجاه و هشت قانون اساسی اشاره می‌کند که اعمال قوه ی مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود.

پس می‌توان نتیجه گرفت که قانون رعایت حجاب اسلامی در حقیقت خواسته ی اکثریت جامعه بوده است. جامعه ای که به نظر می‌رسد در طی دو دهه ی اخیر تغییرات زیادی به خود دید. تغییر و تحول در جامعه ی انسانی اجتناب ناپذیر است اما مسلماً در کنار تغییرات مثبت برخی از تغییرات برای جامعه تحدید امیز محسوب می‌شوند؛ و این تحدید برای هر جامعه ای بسته به عقاید شکل دهنده ی جامعه تغییر می‌کند و برای جامعه ی اسلامی، آزاد شدن حجاب یک تحدید و شاید یک شروع برای بی نظمی های گسترده محسوب شود.

مسئله ای که ممکن است کمرنگ شود، آن است که اجرای یک قانون باید توسط دولت تضمین شود و این تنها در سایه ی فرهنگ سازی امکان پذیر است. یکی از اولین تعاریف نسبتاً جامع از فرهنگ توسط E.B.Taylor ارائه شده است. این مردم شناس انگلیسی اعتقاد داشت که فرهنگ عبارت است از مجموعه ی پیچیده ای از علوم، دانش ها، هنر ها، افکار، اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت ها و به طور خلاصه کلیه ی آموخته ها و عاداتی که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می‌کند.

چند نفر کودک خود را به خاطر راستگویی تشویق می‌کنند؟ چند نفر به کودک خود می‌گویند افتخار می‌کند کودکش به هم نوع خود کمک می‌کند و در جامعه ی اسلامی چند نفر کودک خود را به دلیل رعایت حجاب تشویق می‌کنند؟ چند نفر با فرزند نوجوانش درباره حجاب بحث و تبادل نظر می‌کنند؟ و حتی کمی مساله را باز تر کنیم. چند زوج با آگاهی لازم و کافی تصمیم می‌گیرند بر تربیت یک عضو از جامعه و در همین حین کودک خود

یکی از دغدغه های امروز کشور، آزادی حجاب و یا حجاب اختیاری است. برخی بر این عقیده هستند که حجاب عقیده ای شخصی و مبتنی بر زمان و وضعیت جامعه هست که عدم رعایت آن در گذشته باعث به وجود آمدن موج روانی در جامعه می‌شد. بر هیچ کس پوشیده نیست که هر انسانی تفکر منحصر به خودش را دارد؛ و هر کودکی که متولد می‌شود مانند یک دفتر سفید می‌باشد. دفتری که در آینده، به کتاب تاریخ آن کشور اضافه می‌شود.

موضوع حجاب یکی از موضوعاتی هست که باعث به وجود آمدن دو قطبی در جامعه شده است. قشری که نظر دارند مبتنی بر آن که حجاب اسلامی از فحشا و فساد اجتماعی جلوگیری می‌کند، لذا تمام افراد موظف به رعایت آن هستند و مقابل آن قشری که حجاب را تنها یک عقیده می‌دانند و اعتقاد دارند که هیچ کس نباید به عقیده ای که ندارد مجبور شود.

هیچ یک از طرفین به اصل حجاب وارد نمی‌شوند و بحث بر سر آزادی آن هست. قطعاً کسانی هستند که مخالف عقیده ی حجاب هستند و برای خود دلایلی دارند ولی آیا کسی می‌تواند آنها را مقصر بداند؟ هر انسان برای رسیدن به عقاید خود، از موانع بسیاری گذشته و مدام برای خود سوال طرح کرده است. عقاید شخصی ممکن است از نظر فرد دیگر درست باشد یا غلط اما مسلماً آن شخص برای عقیده ی خود وقت گذاشته و به عنوان یک انسان موظف هستیم به وقت و انرژی اشخاص احترام بگذاریم.

انسان ها به صورت جدا از هم نمی‌توانند زندگی کنند و برای زندگی با هم نوعان خود نیازمند این هستند که قواعدی بر این روابط حاکم باشد و از همین جا ضرورت و لزوم جاری شدن قانون بین آنها احساس می‌شود و در واقع قانون عبارت از قاعده ی کلی و الزام آوری است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از

66 هیچ یک از طرفین به اصل حجاب وارد نمی شوند و بحث بر سر آزادی آن هست. قطعاً کسانی هستند که مخالف عقیده ی حجاب هستند و برای خود دلایلی دارند ولی آیا کسی می تواند آنها را مقصر بداند؟ هر انسان برای رسیدن به عقاید خود، از موانع بسیاری گذشته و مدام برای خود سوال طرح کرده است.



66 سوالی که اکثر نوجوانان ایرانی دارند آن است که چرا باید حجاب را رعایت کنیم؟ آنها به دنبال جواب های ساده و دم دستی نیستند و شما نخواهند بود. شما نمی توانید به نوجوانی که دین خود را کامل نمی شناسد بگویید چون دین تو رو موظف کرده است. شما نمی توانید در جامعه ای که فحشا و ناهنجارهای روانی رایج است، به یک نوجوان ثابت کنید که حجاب دیوار است در برابر فحشا!



66 نیاز جامعه ی کنونی به قانون آزادی حجاب نیست. همانطور که نیاز به قانون حجاب اسلامی وجود ندارد. بلکه نیاز هست برای کودکان سرزمین وقت بیشتری گذاشته شود. به جرایمی دین چگونگی دین بپردازیم.

آزادی تمام قرار بگیرد از طریق آنها خارج خواهد شد. بنابراین با نسل جوانی مواجه می شویم که با محدودیت زیادی که از طرف خانواده ها اعمال شده، توانایی کسب تجربه نداشته و در نهایت جوانانی خام و بدون تجربه وارد جامعه ی کسب و کار خواهند شد.

از طرف دیگر خانواده هایی که اصطلاحاً تفکر اومانیستی را فرهنگ خود قرار داده اند، با فراغ باز از این آزادی استقبال خواهند کرد. خانواده هایی که اکثراً با شعار حیا و عفت تربیت شده اند. چرا که برای همه ی ما واضح هست که حدود پنجاه سال قبل جامعه برای حیا و عفت و پوشش مناسب ارزش قائل بودند. حال فرزندان این خانواده ها وارد آزادی شدند و آزادی که متأسفانه نمی دانند چطور از آن استفاده کنند و احتمال آن وجود دارد که عده ی زیادی به فساد اخلاقی کشیده شده و یا باعث نا آرامی اجتماعی شوند.

در این بین قدرت های بیگانه از این فرصت، مطابق همیشه، سعی خواهند کرد بیشترین آسیب خود را به جامعه بزنند و جوانانی که نمی دانند با آزادی خود چه کنند و یا جوانانی که در محدودیت شدید زندگی می کنند برای آنها بهترین راه برای ضربه زدن به جامعه خواهند بود. البته که در این بین خانواده هایی هستند که با هر فرهنگی که پیش رو گرفته اند، برای تربیت فرزندان خود و تحویل افرادی سالم و پاک به جامعه تمام تلاش خود را خواهند کرد. اما آیا بی تاثیر خواهند بود؟ آیا مصون خواهند بود از ازدهام سردرگمی ها، و البته مشکلات اقتصادی و سیاستی جامعه که هنوز در حال ساخته شدن و پایه سازی هستند.

از دسته ی دیگر جامعه که از آنها نباید غفلت کرد، افرادی هستند که اعتراض خود را نسبت به سیاست ها و اقتصاد فعلی کشور در غالب بی حجابی ابراز می کنند. آنها چه ابزار جدیدی را برای ابراز اعتراض خود به کار خواهند گرفت؟ آیا تضمینی وجود دارد که این اعتراض در شکل یک موج نا آرامی در جامعه ظهور نکند؟ در نتیجه ابتدا باید نارضایتی در جامعه به حداقل برسد و یا با استفاده از فرهنگ سازی، جامعه ای را بسازیم که اعتراض خود را بر اساس مطالعات صحیح و در غالبی شناخته شده، به گوش نمایندگان خود در اداره ی کشور برسانند. چرا که انقلاب اسلامی ایران همچنان در حال ساخت ستون های خود می باشد که به هدف های انقلاب، هر روز نزدیک و نزدیک تر شویم. وجود نارضایتی در چنین شرایطی کاملاً طبیعی و چیزی دور از انتظار نیست.

اگر دقیق تر به موضوع آزادی حجاب بپردازیم، متوجه خواهیم شد که نیاز جامعه ی کنونی به قانون آزادی حجاب نیست. همانطور که نیاز به قانون حجاب اسلامی وجود ندارد. بلکه نیاز هست برای کودکان سرزمین وقت بیشتری گذاشته شود. به جرایمی دین نه و بلکه به چگونگی دین بپردازیم. به داستان های قرآنی دقیق تر وارد شویم و از طریق رسانه، پیام های صحیح را در غالب تاثیر گذارتر برسانیم و البته در این میان از تاثیر مهم خانواده نباید گذشت. خانواده ای که رگ های حیاتی یک جامعه را تشکیل می دهند.

در نهایت جامعه ای امید است با فرهنگ سازی درست، در زمانی اندک، متوجه نیاز های واقعی خود شود و همانطور که در طی سالها ثابت کرده، با همبستگی و توکل به خدا، موانع را هموار کند. فرزندان خود را با انگیزه و همراه با پایه ای اعتقادی قوی و صحیح تحویل آینده ی کشور دهد و همان ایران درخشنده و تکمیلی که انتظار داریم را بسازد.

که ادامه دهنده ی فرهنگ خانواده خواهد بود. فرهنگی که بی شک قسمتی از فرهنگ کلی جامعه را شامل می شود. آیا روشی وجود دارد که اطمینان لازم را به کشور بدهد که خانواده ها، از روش های تربیتی صحیح مطلع هستند؟

سوالی که اکثر نوجوانان ایرانی دارند آن است که چرا باید حجاب را رعایت کنیم؟ آنها به دنبال جواب های ساده و دم دستی نیستند و نخواهند بود. شما نمی توانید به نوجوانی که دین خود را کامل نمی شناسد بگویید چون دین تو رو موظف کرده است. شما نمی توانید در جامعه ای که فحشا و ناهنجارهای روانی رایج است، به یک نوجوان ثابت کنید که حجاب دیوار است در برابر فحشا!

نوجوانی که در حین رشدش، متوجه زرق و برق کشور هایی شده که حجاب اجبار نیست. تحت تاثیر افرادی بوده که مخالف اسلام و حجاب بوده اند. این نوجوان یقیناً به یک انرژی قوی احتیاج دارد. انرژی که جبران زحمات خودش باشد. زحمتی که برای عقیده و تفکرش کشیده است. کسی نمی تواند عقیده ی شما را به راحتی تغییر دهد چرا که سالها زندگی کرده و تجربه دارید. زمین خوردید و دوباره به تلاش ادامه دادید. تغییر عقاید شما که در سالها به وجود آمده اند یک شبه امکان پذیر نخواهد بود و نمی توانید انتظار داشته باشید اعتقاد یک فرد را چند روزه تغییر دهید و یا حتی بد تر! شخص را مجبور کنید خلاف چیزی که هست خود را نشان دهد.

هیچ کس نمی تواند برا مدت طولانی تظاهر به شخصی که نیست بکند. اما آیا قانون آزادی حجاب در جامعه ی کنونی قابل اجرا هست؟ همانطور که قانون اجباری بودن حجاب نیازمند فرهنگ سازی هست، قانون آزادی حجاب نیز، نیازمند فرهنگ سازی خودش هست. هم اکنون افراد در جامعه در زمینه ی حجاب به سه دسته ی اصلی تقسیم می شوند. افرادی که به حجاب اعتقاد دارند و برای اعتقادشان فکر کردند. مطالعه کرده اند و انرژی گذاشته اند. افرادی که به حجاب اعتقاد ندارند و آنها هم برای این هزینه و وقت مصرف کرده اند، برای خود مدت ها سوال مطرح کرده و به نوع خود به دنبال جوابشان رفته اند.

اما دسته ی سوم که متأسفانه در اقلیت قرار ندارند، افرادی هستند که برای پوشش خود دلیلی منطقی ندارند. آنها آنچه توسط سایرین بر آنها دیکته شده است را انجام می دهند بدون آنکه تصویری درست از آنچه انجام می دهند، داشته باشند. آنها کسانی هستند که می پندارند قانون آزادی حجاب در بردارنده ی کلید حل مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور می باشد. که می توان از دلایل آن به کم بودن آمار مطالعه در جامعه اشاره کرد. کسانی که مطالعه ی صحیح و لازم را نداشته باشند، قطعاً متوجه وجود مشکلات می شوند، اما به دلیل ضعف اطلاعاتی نه دلیل به وجود آمدن مشکل را کامل متوجه می شوند و نه راه حل آن را! در نتیجه دست به دامن کلیشه های خیابانی و بازاری می شوند تا بتوانند خود را در جامعه موثر حس کنند.

تاثیر آزادی حجاب بر دو دسته ی اول کاملاً مشخص هست. دسته ی اول حجاب خود را حفظ و دسته ی دوم حجاب خود را بر خواهند داشت. اما چه بر سر دسته ی سوم خواهد آمد؟ آیا آنها برای آزادی در زمینه ی تفکری که برای آن نپرداخته اند، آماده اند؟

اگر در نظر بگیریم که قانون آزادی حجاب با تمام موانع که در نظر نگرفتیم بر قرار شد. خانواده های مذهبی که تمایل دارند فرزند خود را مطابق فرهنگشان تربیت شود، احساس خطر خواهند کرد و متأسفانه اکثریت برای تربیت فرزند خود از آسان ترین روش ممکن، یعنی محدود کردن استفاده می کنند. چرا که فرزند خود را با پایه ی اعتقادی ضعیف می بینند که اگر در



زنان نا تمام

نقدی بر تصویر ارائه شده از زنان در فیلم شبی که ماه کامل شد



نمی کرد همسرش مسئله ی به این مهمی را از وی پنهان بدارد و اکنون که واقعیت ماجرا بر او آشکار شد، وی برای حفظ همسر و زندگی اش تصمیم به مهاجرت و دوری از برادر همسر می گیرد.

رفتار فائزه در این بحران، یعنی تلاش وی برای حفظ خانواده اش، رفتاری بود که یقیناً هر زنی در این شرایط انجام می داد. شاید تصمیم و پافشاری وی برای مهاجرت خود عامل از بین رفتن خانواده اش شد اما مدیریت و نفوذ وی بر همسرش برای انجام این کار، توانایی ای بود که از یک زن در هنگام بحران به انتظار می رفت.

تا این بخش از داستان، ما تصویر یک زن ایرانی را می بینیم که برای حفظ حریم خانواده اش از هیچ تلاشی فرو گذار نیست و به خوبی راهی را که برای عبور از بحران به وجود آمده در زندگی اش به ذهنش می رسد به عمل می رساند. اما داستان همینطور باقی نمی ماند. با سفر همسر وی به پاکستان و هم نشینی با برادر ، عبدالمالک ورق زندگی عبدالحمید و فائزه برمی گردد. فائزه با حضور در پاکستان پی می برد که در تمام مدت حضور عبدالحمید در آن جا، وی مسایل مهمی را از فائزه پنهان کرده و او عبدالحمید سابق نیست.

پس باز هم برای زندگی اش به سبک و سیاق خودش تلاش می کند. از صحبت با حمید گرفته تا قهر و حتی دست آخر فرار از آن مهلکه برای نجات جان خود و فرزندش اما پس از فرار او و بازگشتش توسط عبدالمالک شرایط سخت تر و پیچیده تر و فضا ملتهد تر می شود.

حس شدن اون در خانه، جدا کردن فرزندش از وی و... نتیجه ی خوگرفتن عبدالحمید با تفکری به نام تروریست و القانده بود. شاید تنها نام القانده و تروریست برای از دست دادن امید یک زن تنها در بین آدم های آشنای غریبه کافی باشد تا دست از تلاش بردارد و مثل فائزه ی قصه عزلت نشینی را انتخاب کند، اما کم نشنیدیم از قصه ی زن هایی که اسطوره وار در شرایطی مشابه و یا حتی سخت تر از فائزه که نه تنها امیدشان را از دست ندادند بلکه اسطوره وار در برابر ناملازمات مقاومت ورزیدند.

اما از حق نگذریم نرگس آبیاری به زیبایی حس از جان گذشتگی یک مادر برای فرزندانش را به نمایش گذاشت. لحظه ای که فائزه به دست ماموران در حال فرار بود اما به خاطر فرزندانش با اینکه فهمید عاقبتی جز مرگ انتظارش را نمی کشد، حاضر به همکاری نشد و این غایت وجودی یک مادر را به تصویر می کشد. به طور کلی تصویری که از سه زن حاضر در فیلم برداشت کردیم، زنی شکست خورده و مورد ظلم واقع شده بود که هر کدام از آن ها بنا به شرایط و فرهنگی که در آن بزرگ شده بودند، رفتار کردند. شاید اگر من جای فائزه ی داستان بودم، هیچ گاه مهاجرت آن هم از طریق پاکستان را برای حفظ و نجات زندگی ام انتخاب نمی کردم.

شبی که ماه کامل شد آخرین ساخته ی نرگس آبیاری، زندگی مشترک برادر عبدالمالک ریگی از آغاز تا پایان را به تصویر کشید. برای بسیاری از هم سن و سالان من نام که در آن زمان در سنین کودکی یا نوجوانی به سر می بردیم، نام عبدالمالک ریگی آشناست. اما شاید کمتر کسی از کم و کیف جنایات ریگی چیزی در خاطرش باقی مانده باشد هر چند این فیلم بیش تر به زندگی برادر او پرداخته بود و ریگی به عنوان یک نقش حاشیه ای که تاثیر بسزایی بر روی زندگی خانواده اش گذاشت.

نقدهای بسیاری بر فیلم شبی که ماه کامل شد وارد شده است، اما با توجه به ماهیت نشریه ی حوا در این یادداشت به نقش زنان در این داستان می پردازیم. فیلم با سکانس جلسه ی خواستگاری عبدالحمید از فائزه شروع شد. مادر فائزه مثل تمام مادران ایرانی نگرانی خویش در ارتباط با آینده ی ثمره ی زندگی اش را با بیان مسائلی همچون تفاوت فرهنگ ها و دور بودن خانواده ی پسر بیان می کند. مسئله اینجاست که این نگرانی تنها در جلسه ی خواستگاری بیان می شود و هیچ اقدامی در ارتباط با حل کردن این نگرانی مثل تحقیق در مورد خانواده ی پسر انجام نمی شود.

در طول داستان، مادر فائزه مثل تمام مادران سنتی سعی در حفظ خانواده و فرزندانش به روش های خودش را دارد، اما در انتها در رسیدن به این هدف شکست می خورد.

در عین حال مادر پسر در همان جلسه ناراضیتی خود برای سر گرفتن این وصلت را تنها با یکسری رفتار ها و در آخر با گفتن به فائزه اعلام می کند اما هر شخصی این رفتارها را به علت مادر شوهر بودن می گذارد. شاید علت رفتار او، ترسیدن وی از عکس العمل مردان خانواده اش بود. تصویری که ما از زنان بلوچ در ذهن داریم، زنی مقاوم و صبور است که بنا به فرهنگی که در آن منطقه غالب است گاهی مورد ظلم واقع می شوند.

در طی داستان هم از وی نقش زنی ساکت و مظلوم را می بینیم که هیچ تاثیری بر روی اعمال و رفتار فرزندانش ندارد و حتی هنگام کمک به فائزه برای فرار از آن مهلکه، به صورت پنهانی این اقدام را انجام داد و در پایان فیلم تنها کاری که توانست انجام دهد نگه داری از فرزندانش وی بود.

فائزه نقش اصلی داستان نماد دختران امروزی است، که سعی دارند زندگی خود را مستقل و بدون وابستگی به خانواده به پیش ببرند. وی با علاقه ای که به عبدالحمید داشت زندگی مشترک خویش را بر پایه ی اعتماد و درک متقابل شروع کرد منتهی با بی خبری از وضعیت خانوادگی همسر خویش.

زندگی این دو جوان تا به دنیا آمدن فرزند اولشان در شرایطی آرام و خوب اما با یک نقطه ی ابهام به نام عبدالحمید پیش رفت. پس از تولد فرزند اول، با حضور آن ها در میان خانواده ی عبدالحمید برای چشم روشنی فرزندشان، واقعیت برای فائزه روشن شد.

او که زندگی خود را بر مبنای اعتماد و صداقت بنا کرده بود فکر



کودک بران، همسرینه امریکایی و چهار همسرش که همه در یک خانه زندگی می کنند. در به خاطر قوانین آمریکا فقط با یک نفر از آن ها به صورت قانونی ازدواج کرده است. وی از فعالان قوی شش پند همسرش بر آمریکا بود.

مراقب افزایش وزن خود باشید! تلخ و شیرین تعدد زوجات!

فاطمه شاملو جانی بیک

همسر صالحه دارد باید به همان اکتفا کند همسر دیگر برایش کراهت دارد. نمونه مسلمش، پیامبر اکرم(ص) که در زمان حیات حضرت خدیجه(س) همسری اختیار نکردند.

همان طور که می دانید جواز تعدد زوجات برای مرد از لحاظ قانونی دارای شرایطی هست که نمونه اش طبق مفاد قانون حمایت از خانواده، ماده ۱۶، مرد نمی تواند با داشتن زن، همسر دوم اختیار کند مگر با رضایت همسر اول؛ یا در ماده ۱۷، گفته شده: دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان، تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند ۱ ماده ۱۶، اجازه اختیار همسر جدید خواهد داد... همچنین زن اول با اثبات ازدواج مجدد شوهر بدون اجازه خود می تواند به استناد بند ۱۲ شروط عقدنامه، تقاضای طلاق کند.

در این بین عده ای خواستار لغو تعدد زوجات هستند چون این امر واجب نیست و در قرآن هم تاکید موکد به آن نشده و با قیاس با قوانینی چون برابری دین زن و مرد گفته اند می شود این را هم لغو کرد که باید گفت چه طور مردان مجاز به داشتن معشوقه و دوست دختر هستند ولی همین امر به صورت شرعی امکان پذیر نیست؟ در این راستا مقام معظم رهبری درباره تعدد زوجات گفته اند که اگر موجب دلسردی زن شود نباید صورت بگیرد و با استناد به عبارت ((یجوز للرجل ان یتزوج اربعاً بلا خلاف و المستحب ان یقتصر علی واحد)) در کتاب مبسوط ج ۴، ص ۶۴، حتی به مستحب بودن تک همسری اشاره کرده اند. به علاوه شهید مطهری در کتاب حقوق زن در اسلام درباره تعدد زوجات پرداخته و در ابتدای می بحث گفته اند: ((تک همسری طبیعی ترین فرم زناشویی است. در تک همسری روح اختصاص یعنی مالکیت فردی و خصوصی _ که البته با مالکیت خصوصی ثروت متفاوت است _ حکم فرم است. در تک همسری هر یک از زن و شوهر احساسات و عواطف و منافع جنسی دیگری را از آن خود و مخصوص شخص خود می دانند.))

آنچه اهمیت دارد این است که تعدد زوجات نه قابل نفی محض و نه تایید مطلق است، به عبارتی مثل شیرینی ایی که اگر یکی خورده شود موجب ضرر نمی شود. به علاوه باید شرایط اجتماعی را هم مد نظر داشت و تفاوت های فرهنگی جامعه عرب و ایران را هم نادیده نگرفت.

در پاسخ به دوستانی که راه حل بالا رفتن سن ازدواج دختران و کم بودن شوهر برایشان را تعدد زوجات می دانند، باید گفت دوست من، خانه از پای و بست ویران است. باشد ما قبول می کنیم راه حل این مشکلات (polygamy) می باشد، همانطور که قبول کردیم ماهی ها چشم بسته می خوابند و پنگوئن ها پرواز می کنند ...

مسئله زن و حقوق او، چیزی است که این روزها، ذهن تمامی فعالین حقوق بشر، اساتید دانشگاه و به طور کلی تمامی افرادی که حرفی سرشان می شود و دنبال اجرای عدالت در تمام ابعاد آن به خصوص فارغ از نگاه های جنسیتی هستند، به خود درگیر کرده است. از بین تمامی موضوعات مطرح شده، موضوعی که بسیار چالش برانگیز بوده و حقوقدانان و فقیهان را به تکاپو برای پاسخ آن واداشته، بحث شیرین و تلخ تعدد زوجات است. شیرین از آن جهت که هرچه زن بیشتر باشد مرد راحت تر است و زندگی برایش شیرین تر اما باید توجه داشت که شیرینی زیاد دل را می زند و برای سلامتی انسان ضرر دارد، دندان ها را خراب می کند و موجب افزایش وزن می شود. تلخ هم آنجاست که اگر از شرایطش فراتر رود زندگی را چون جهنم می کند و مرد تبدیل به موجودی هوسران می شود که به هیچ وجه ارضا نمی شود.

شاید بتوان گفت تعدد زوجات تنها در مواردی می توانست جایز باشد. مثلاً یکی از این موارد استثنا، شرایط گذشته زمانی این حکم است. می گویند چون در زمان پیامبر(ص) جنگ های زیادی می شده، طبعاً زنان زیادی هم بی همسر و کودکانشان بی پدر می شدند، لذا اسلام تعدد زوجات را گذاشته تا این مهم حل شود. استناد افراد طرفدار این نظر به این نحو است که حالا که به سلامتی و میمنت در سایه مدرنیته جنگی نیست، پس تعدد زوجات را بی خیال شوید. گروه دیگر اما مدعی هستند که ای داد، ای بیداد از این همه حماقت و کوتاه بینی، تعدد زوجات اگر نباشد پس چه کسی مشکل مجرد دختران جوانی را که دست بر روزگار سنشان بالا رفته، را حل کند؟ و یا برای اینکه عریضه خالی نماند و وجه علمی پیدا کند، ((طبق نظر منتسکیو و گوستاو لوبون، عوامل جغرافیایی را به عنوان یک دلیل محکمه پسند الم می کنند که چون آب و هوای مشرق زمین به گونه ای هست که زنان زود بالغ و پیر می شوند، پس مردان به زن دوم و سوم نیاز دارند یا اینکه از لحاظ مسائل جنسی، یک زن، پاسخگوی تمامی نیازهای مرد شرقی نیست)) بنابراین چاره را در رفتن به سوی صندلی های ذخیره اعلام کردند.

مهمترین اشتباهی که بشریت مرتکب شده، این است که خیال می کند تعدد زوجات فرآورده اسلام است و قبلاً نبوده درحالیکه این امر در بین تمدن های مختلف در ادوار گذشته هم وجود داشته و اتفاقاً اسلام برای جلوگیری از انحطاط و احترام به حق زن آن را تحدید به ۴ همسر و مشروط به شرط برقراری عدالت کرده است. حتی در آیه ۳ سوره نسا گفته که: اگر ترسیدید به عدالت رفتار نکنید، پس فقط یک همسر انتخاب کنید. بنابراین تعدد زوجات برای افرادی که نمی توانند این شرط را رعایت کنند، ممنوع است. همچنین در اخلاق دینی اگر فردی یک

اصلاح ساختارهای جامعه در جهت تامین بهداشت روانی زنان

الهام زارعی

خانواده را از ذهن بیرون کردند. این شعار زن معاصر را وادار ساخته تا به گونه ای وظیفه مضاعف آبرسانی، که غالباً او را فرسوده و ناتوان و تنها رها می کند، تن در دهد؛ در صورتی که مردان و زنان نه تنها از لحاظ بیوزیست بلکه از نظر روان شناختی نیز با یکدیگر فرق دارند.»

پژوهشگر به هیچ عنوان مخالف نقش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی زنان نیست، بلکه طبق فرموده رهبر انقلاب آیت الله خامنه ای: «اسلام با نقش اجتماعی زنان نه تنها موافق است، بلکه آن جا که ضرورت داشته باشد، لازم هم می داند.»

تمام دغدغه نویسنده بر آن است که زنان با داشتن نقش های اجتماعی بتوانند به مهم ترین اولویت خود، یعنی مدیریت عاطفی و تربیتی خانواده بپردازند. لذا نیازمند طراحی سیستمی در خور هستیم که بتواند مصلحت جمعی را برای جامعه و خانواده رقم بزند. چرا که حضور زنان در برخی مشاغل استراتژیک و ضروری است، همانند مامایی، معلمی، متخصص زنان، پرستاری و پژوهش ...

طراحی این سیستم باید به گونه ای باشد که تمام صنف های که زنان در آن شاغل هستند، از تمام وقت اداری به ۲ الی ۳ روز در هفته با ساعت کاری متعارف در روز کاهش پیدا کند. در عوض بر شغل خانه داری آنان تاکید گردد، لذا لازم است که زنان با اولین شغل خود در جامعه یعنی «خانه داری» به گونه ای که از رنج سنی مشخصی تمام گروه زنان اعم از مجرد و متأهل و شاغل را شامل می گردد، تحت پوشش بیمه زنان خانه دار باشند. بنابراین بحث ساعت کاری زنان و شیفت های شبانه، از موارد حساسی هست که باید طبق هویت جنسی زنانه و عدالت جنسیتی طراحی گردد.

یکی از مباحث حقوقی و اساسی اسلام در حوزه قانونگذاری بحث «عدالت جنسیتی» است. این مقوله اساسی برخی اوقات ناخود آگاه مورد غفلت واقع شده است؛ لذا قوانین و تبصره های وضع گردیده که با هویت و روحیه زن ناسازگار است. اولین قانون که با جنسیت زن و وظائف ناشی از آن ناسازگار است، تعیین ساعات کاری یکسان برای زنان در ادارات و شرکت های خصوصی است.

بسی تاسف بارتر است که در این مکان ها زنان با تخصص و ساعت کاری یکسان دستمزد کمتری دریافت می کنند. لذا نیازمند طراحی سیستمی متناسب با هویت حقیقی جنس مونث هستیم، این امر یکی از موکدات اساسی اسلام است. برای تبیین بیشتر این امر به سخن علامه طباطبایی در تفسیر المیزان رجوع می کنیم. ایشان می فرمایند: «خداوند در زن دو ویژگی نهاده است که به خاطر این دو آفرینش ممتاز و مشخص شده است:

(۱) زن در تکون نوع انسانی و رشدش به منزله کشت است، که انسان در بقایش به وی اعتماد دارد،

(۲) زن مبتنی بر لطافت جسمی و ظرافت احساسی است، این ویژگی در وظائف اجتماعی وی موثر است.

لذا در تک تک قانون گذاری ها و تعیین وظایف اجتماعی زنان،

جوامع بشری با سرعت بیشتری در حال تحول هستند، سبک های سنتی منسوخه گشته، در عوض زندگی مدرنیته با تمام آسیب ها بدون الگوی صحیح و منسجم جایگزین شده است؛ ازدواج، والدشدن، همسری، سن ازدواج و تعداد فرزندان هر خانواده را تحت تاثیر قرار داده است.

عدم طراحی الگوی سیستماتیک و مناسب برای ازدواج که تامین نیازهای جنسی-عاطفی، کفویت های فرهنگی، اعتقادی، فکری، اقتصادی، رفتاری را در برگیرد، سبب بروز هرج و مرج جنسی و تضعیف خانواده شده است.

در این میان اوضاع نابسامان اقتصادی و عدم اشتغال جوانان، به گسترش آسیب های اجتماعی جهش بیشتری داده است. مخصوصاً جامعه زنان را با آسیب های بیشتری درگیر کرده است. همانند؛ بالا رفتن سن ازدواج، عدم فرصت همسری و مادری برای برخی از زنان، آسیب های روانی و جنسی.

لذا برای ارتقاء کیفیت زندگی نسل های آینده لازم است که نظام آموزشی، مهارت های انتخاب همسر و دانش زندگی زناشویی و مهارت های مادری و پدری را بشکل کارآمدتری در دوران دبیرستان ارائه دهد. در کنار این دانش افزایی، الگوی سیستماتیک و کاربردی نیز برای ازدواج جوانان در آستانه بلوغ طراحی کند.

اما آسیب جامعه زنان به همین جا ختم نمی گردد، حتی اکثریت زنانی که نقش مادری و همسری دارند بجهت اشتغال از ایفای نقش اصلی خود یعنی تربیت صحیح فرزند و فرزند آوری باز مانده اند.

این دگرگونی ها و خلأها، بهداشت روانی زنان را بیش از پیش تحت تاثیر قرار داده است، در این مقال برآنیم که به نقش اصلاح ساختارهای اجتماعی در جهت تامین بهداشت روانی زنان بپردازیم.

اصلاح ساختارها در جهت تعمیق بخشیدن به نقش همسری و مادری زنان:

یکی از نیازهای اساسی هر جامعه ای جهت ثبات و توسعه، ازدیاد نسل در نهاد خانواده می باشد. این نهاد مقدس در ایران کارکرد اساسی دارد، چرا که حقوق جنسی، عاطفی و روانی، تربیتی، در این کانون تامین می گردد. نقش محوری زنان با مدیریت عاطفی خانواده و تربیت فرزندان از بنیادی ترین نقش هاست.

این مقوله آنقدر در تعیین سرنوشت یک ملت تاثیر گذار است که ابن سینا وقتی انواع علوم را به شاخه های مختلفی چون؛ ریاضیات، منطق، طبیعیات و ... تقسیم بندی می کند، یکی از انواع علوم را «تدبیر منزل» نام می نهد. اما متأسفانه در دنیای امروز با حاکم شدن تفکرات لیبرالیستی و فمینیستی، زنان نقش های اقتصادی و اجتماعی پرمشغله به خود گرفته اند و از مهم ترین نقش خود فاصله گرفته اند. این آسیب جهانی توسط خانم تونی گرنر در کتاب «زن بودن» به وضوح واکاوی شده است. «

این دروغ بزرگ فمینیستی، وعده های را به زنان داد که در پی دستیابی به حرفه یا علائق شخصی، فکر ازدواج و تشکیل

66 «این دروغ بزرگ فمینیستی، وعده های را به زنان داد که در پی دستیابی به حرفه یا علائق شخصی، فکر ازدواج و تشکیل خانواده را از ذهن بیرون کردند. این شعار زن معاصر را وادار ساخته تا به گونه ای وظیفه مضاعف آبرسانی، که غالباً او را فرسوده و ناتوان و تنها رها می کند، تن در دهد؛ در صورتی که مردان و زنان نه تنها از لحاظ بیوزیست بلکه از نظر روان شناختی نیز با یکدیگر فرق دارند.»



66 لازم است که زنان با اولین شغل خود در جامعه یعنی «خانه داری» به گونه ای که از رنج سنی مشخصی تمام گروه زنان اعم از مجرد و متأهل و شاغل را شامل می گردد، تحت پوشش بیمه زنان خانه دار باشند.

هیچ نهادی برای حل سریع تر این مشکل اقدام نمی کند و هر روز مسئله سخت تر و پیچیده تر می گردد. برای وضوح بیشتر مشکلات جامعه زنان آمارهای ارائه می گردد.

از مشکلات اساسی جامعه امروز، وجود زنان جوان و دخترانی است که به دلایل گوناگون فرصت ازدواج ندارند. طبق آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵ نزدیک به «یک میلیون و چهارصد و سی هزار نفر دخترانی در رده سنی بین ۳۰ تا ۵۰ ساله داریم که هرگز ازدواج نکرده اند. در این میان هفتصد و پنجاه هزار نفر خانم های مطلقه و بیوه جوانی داریم که هنوز ازدواج نکردند، (جمعا دو میلیون و دویست هزار نفر) خانم جوان آماده ازدواج داریم که همه آن ها فرصت برابر برای ازدواج ندارند.»

از این میان «پانصد هزار» دختر بالای ۴۰ سال هستند که سن بیولوژیک و فرصت مادری آن ها با تهدید مواجه است و در آستانه یائیسگی قرار دارند، که «دویست هزار» نفر آن ها دختران روستایی هستند که بدون مهارت و شغل خاصی مشکلات دو چندانی را تحمل می کنند. با توجه به مشاهدات انجام شده در یک خانواده روستایی، دو الی سه دختر و بعضاً چهار دختر همزمان به مجرد رسیده اند. قابل توجه است که ۲۵ درصد ایران روستا نشین هستند که تعداد دختران مجرد قطعی روستایی با کل کشور برابری می کند. برای نشان دادن صحت گفته های فوق آمارهای زیر ارائه می گردد.

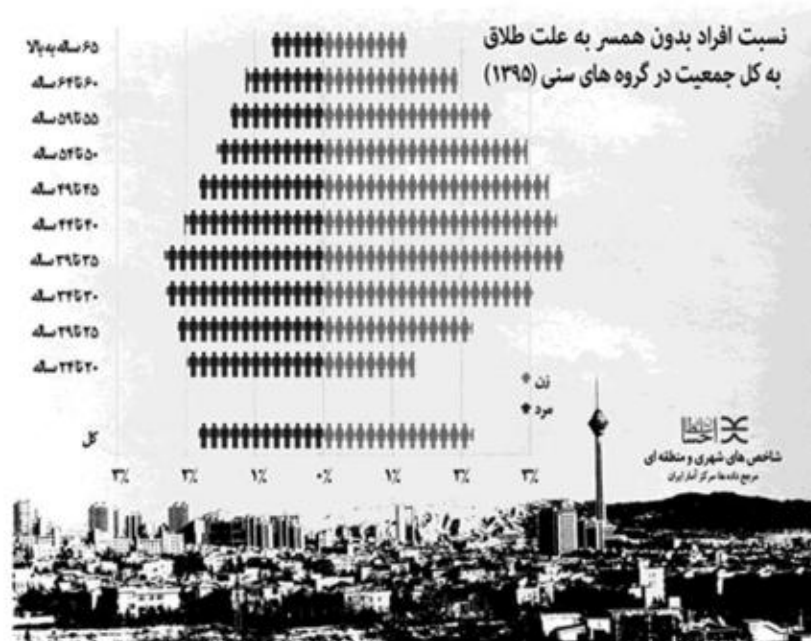
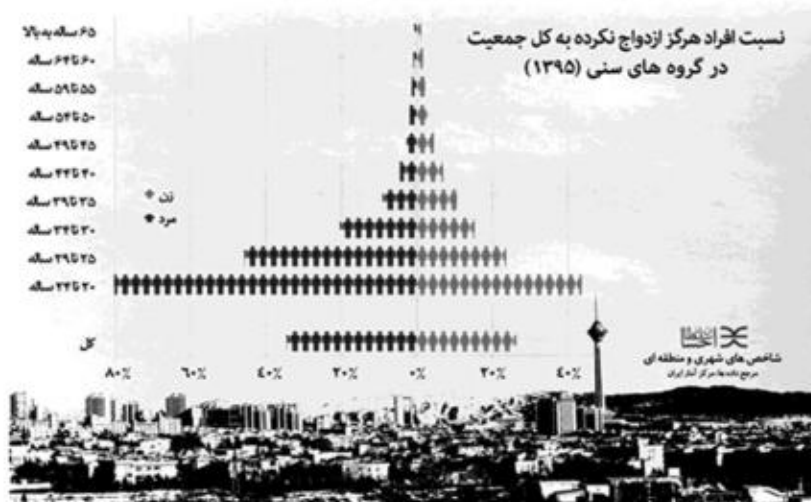
شخصیت حقیقی و حقوقی او را بنا بر اقتضانات طبیعی اش و سرشت وجودیش، تفاوت ها و امتیازاتی را در نحوه قانون گذاری زنان مورد توجه قرار دهید. «

قانون های متعارض با هویت زنانه فقط به ساعت کاری طولانی، محدود نمی گردد بلکه موارد دیگری را نیز شامل می گردد از جمله این قانون ها شرط تأهل در بکارگیری زنان در سازمان هایی آموزشی، دانشگاه ها، ادارت و نهاد ها ... است، به وضوح پیداست که با توجه به عرف ایران و روحیه زنان اقدام به ازدواج هم کفو و متناسب از عهده زنان خارج است.

تاکنون مجالی فراهم شد تا اصلاح ساختارهای اجتماعی را جهت عمق بخشیدن به نقش همسری و مادری را مورد بررسی قرار دهیم. اما آن چه که مسئله زنان امروز را پیچیده تر کرده است، آمار بالای زنان بدون همسر است، که در ادامه به بررسی این موضوع می پردازیم.

دختران و پسران این جامعه برای تشکیل خانواده با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می کنند، از جمله خلأ مهارت های آموزشی انتخاب همسر و مهارت های زندگی زناشویی و تربیت فرزند، در کنار تمام این خلأها مشکلات اقتصادی و عدم سیاست های تشویقی دولت جهت تشکیل خانواده، مسائل زنان را یغرنج تر کرده است.

هر جامعه شناس و روانشناسی و مسئولی، امروزه از مجرد قطعی دختران و وجود زنان مطلقه و بیوه، صحبت می کند. با این حال



ردیف	۱۵-۱۹	۲۰-۲۴	۲۵-۲۹	۳۰-۳۴
مردان ازدواج نکرده	۳,۲۶۸,۲۳۳	۳,۲۵۵,۹۳۸	۱,۷۵۳,۶۰۷	۵۵۸,۶۹۹
درصد مردان ازدواج نکرده	۹۷/۶۳	۷۷/۴۹	۴۰/۲۷	۱۵/۸۹

ردیف	۱۵-۱۹	۲۰-۲۴	۲۵-۲۹	۳۰-۳۴
زنان ازدواج نکرده	۲,۵۵۹,۲۶۲	۱,۹۸۲,۹۵۴	۱,۱۳۰,۶۲۷	۵۳۳,۹۱۰
درصد زنان ازدواج نکرده	۷۸/۵۱	۴۷/۰۷	۲۶/۱۸	۱۵/۴۵

برای وضوح بیشتر آستانه مجرد قطعی مردان و زنان، جدول های ذیل را ارائه می گردد.

ردیف	مردان	زنان	تفاضل؟ ک پنجه کوچکتر
۳۰-۳۴	۵۵۸,۶۹۹	۵۳۳,۹۱۰	-۵۷۱,۹۲۸
۲۵-۲۹	۱,۷۵۳,۶۰۷	۱,۱۳۰,۶۲۷	-۲۲۹,۳۴۷

مانده اند باید راهکار دیگری جست و با شتاب بیشتری عمل کرد. لذا لازم است با فرهنگ سازی و ارائه آگاهی به جامعه پسران همین دهه، با افزایش سیاست های تشویقی دولت و اولویت در استخدام و بخشودگی سربازی این گروه، حمایت مادی از مجرد بیشتر دختران این دهه ممانعت به عمل آید. معضل مجرد قطعی در روستاها به عللی چون؛ رشد نامتوازن شهرنشینی، مهاجرت پسران، پایین بودن سن ازدواج، ازدواج با دختران شهری، آمار دختران مجرد بالاتر است. لذا لازم است که نهادهای چون آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات و بسیج، در جهت حل این معضلات با فرهنگ سازی خوب کوشا باشند. راهکارهای فوق صرفاً در جهت ممانعت از مجرد قطعی است، اما با این حال شماری از دختران دهه پنجاهی و عده کمی از دهه شصتیها مجرد خواهند ماند. برای حل بحران پیش آمده لازم است بنا به شرایط محیطی و سنی راهکاری در خور تبع زنانه ارائه گردد؛ بگونه ای که تمام نیازهای عاطفی و جنسی، مادی و احساس امنیت آنان فراهم گردد.

چشم پوشی از این واقعیت تلخ معضلات اجتماعی را تشدید خواهد کرد، چرا که تامین نیازهای جنسی و عاطفی بگفته روانشناس معروف «مازلو» با آرامش و توسعه شخصیتی انسان ارتباط تنگاتنگی دارد. علاوه بر آن فضای تامین این نیازها در حوزه فردی زمینه رشد و تعالی انسان را فراهم می کند و در حوزه کلان و اجتماع، ثبات خانواده ها، کاهش تهرج و تحریکات جنسی را سبب خواهد شد.

اما متأسفانه جنبش ها و گروههایی که در حوزه زنان فعال هستند، به این نیاز زنان با جمعیت تقریباً پنج میلیونی بی تفاوت هستند، حتی برخی از آن ها در پی قبح زدایی از مجرد قطعی هستند. حتی اگر به فرض مثال حاکمیت این دسته از زنان را به لحاظ مادی یعنی حق بیمه و در آمد حمایت کنند، و حتی اگر به لحاظ فرهنگی از مجرد قطعی قبح زدایی گردد، چون با عدم تامین نیاز اصیل انسانی مواجه هستیم، درجه تنیدگی این گروه از زنان اعم از افسردگی، احساس تنهایی، خلا عاطفی و... تغییرات اساسی نخواهد کرد.

به طور قطع قابل ملاحظه است که زنان در آستانه مجرد قطعی در بین دهه های شصتی و پنجاهی به طور میانگین بالاست. علی الخصوص این آمار در میان محیط های روستایی بالاتر است.

در این میان حدوداً ۳,۵۰۰,۰۰۰ نفر نیز زنانی داریم که بعلت طلاق و بیوه شدن، بدون همسر زندگی می کنند. حال سوال اساسی از مسئولان و زنانی است که در حوزه زنان فعالیت می کنند، برای این دسته از دختران و زنان با این جمعیت آماری کلان چه راهکاری دارند؟

ناگفته پیداست که اکثر این افراد بالاجبار زندگی مجردی را تحمل می کنند، نیاز جنسی و روانی و نیاز به مادر شدن و نیازهای مادی این افراد با تهدید مواجه است، و هیچ گونه بسته حمایتی مادی، عاطفی-اجتماعی، از این دسته از دختران وجود ندارد. در برابر آمارهای فوق و اظهار تاسف از وجود چنین آمارهایی باید که هر چه سریعتر به دنبال راه حل های مناسب و پیشگیرانه بود.

بسته حمایتی مادی، عاطفی-اجتماعی، از این دسته از دختران وجود ندارد. در برابر آمارهای فوق و اظهار تاسف از وجود چنین آمارهایی باید که هر چه سریعتر به دنبال راه حل های مناسب و پیشگیرانه بود.

برای ممانعت از افزایش مجرد قطعی در دهه هفتادی ها و سال های پیش رو، نیاز مند ساماندهی واحد مستقلی تحت عنوان «شورای عالی ازدواج و خانواده متعالی» هستیم. که این نهاد فارغ از اهداف سیاسی به عنوان یک نهاد مستقل جهت برنامه ریزی کلان، فرهنگ سازی، جمعیت شناسی، تقویت ازدواج های همسن گزینی، آموزش مهارت ها ازدواج و زندگی زناشویی، تشکیل نهاد های کوچک جهت ازدواج در مدارس، دانشگاهها، مساجد محل، ادارات و... اقدام نمایند. در دانشگاه ها و دبیرستان ها این شورا، تدریس درس دانش خانواده را برعهده گیرد.

اما برای حل معضل دهه شصتی ها که تقریباً ۱۵ درصد دختران دهه شصتی که بالای ۳۰ سال هستند، هنوز مجرد

۶۶ حتی اگر به فرض مثال حاکمیت این دسته از زنان را به لحاظ مادی یعنی حق بیمه و در آمد حمایت کنند، و حتی اگر به لحاظ فرهنگی از مجرد قطعی قبح زدایی گردد، چون با عدم تامین نیاز اصیل انسانی مواجه هستیم، درجه تنیدگی این گروه از زنان اعم از افسردگی، احساس تنهایی، خلا عاطفی و... تغییرات اساسی نخواهد کرد.



او هم زن بود ...

حواشی به قتل رسیدن میترا استاد همسر محمدعلی نجفی

ام البنین وکیل زاده

هفتم خرداد ماه سال جاری به دست همسر خود یعنی محمدعلی نجفی شهردار سابق تهران و عضو حزب کارگزاران وابسته به اصلاحات کشته شد، به صورت تلویحی و علنی به "پرستو بودن" متهم شد. به طوریکه اصلاح طلبان نه تنها به میترا استاد برچسب پرستو بودن را زدند، بلکه حتی عده‌ای از آنها اتهام «زنای محصنه» را به وی وارد کردند!

به طور مثال صبا آذریک در صفحه توئیتر خود نوشت: "از نجفی و کارش دفاع نمی‌کنیم اما دلیل نداره از طرف دوم ماجرا فرشته بسازیم وقتی نه تنها پرخطا بوده بلکه اعمال غیراخلاقی و غیرانسانی داشته پرستو را فرشته جار نزنیم!" جماعتی که همواره دم از اخلاق و انسانیت و منش بزرگوارانه می‌زدند و در مسائل حوزه زنان خود را پیشگام و پیشرو معرفی می‌کردند، در بحران پیش آمده روی دیگر خود را به نمایش گذاردند و نشان دادند شعارهای اخلاقی و فمینیستی و برابری خواهانه‌شان همانند دیگر شعارهای‌شان توخالی است و فقط دیگران ملزم به رعایت این مواردند نه اصلاحات‌چی‌ها! به طوریکه در رنج‌نامه‌ای در صفحه‌ای منتصب به برادر میترا استاد خطاب به حامیان و نمایندگان بانوان نوشته شد: "نکته دیگر با حامیان زنان می‌گوییم! مشاورین و نمایندگان بانوان کشورم، خواهرم در نگاه شما زن نبود؟ که عریان در داخل حمام توسط همسرش به قتل رسید و یک کلام در موردش نگفتید؟ آیا سیاست‌تان فقط به شما اجازه می‌دهد در مورد حق تحصیل و حق کار، نفقه و سهم کابینه، وام‌صیبتا سر دهید؟ قتل بانوی ایرانی برایتان ارزش نداشت که قدم‌ها یا قلم‌ها یا کلاماً از او یاد کنید؟ باشد مردمانمان در دوره‌های بعدی انتخاباتان، قضاوتتان کنند." که این مطلب حاکی از برخوردها و واکنش‌های گزینشی عده‌ای است که در رئوس امور مربوط به بانوان قرار گرفته‌اند.

البته در این میان سوالاتی وجود دارد که بی‌پاسخ باقی می‌ماند؛ از جمله این که انگیزه واقعی نجفی برای به قتل رساندن همسرش چه بود؟ آیا اسرار و سخنان مگویی نزد او بود که با توجه به درخواست ارتباط‌گیری او با رسانه‌ها باید به سکوتی ابدی دعوت می‌شد؟ و اگر اختلافات آنها اختلافات جزئی و عادی زناشویی بوده برای حل این مسائل کشته شدن استاد راه‌حل بود و هیچ راه دیگری وجود نداشت؟ این‌ها جزو ابهامات و نقاط تاریک این پرونده است، که باید توسط رسانه‌ها و دادگاه مربوطه

"پرستو" واژه‌ای که مدتی است بسیار خبرساز شده است و دهان به دهان می‌چرخد! این واژه به زنان و مردانی که با جذابیت‌های جسمانی، اغواگری، کشش جنسی و درگیری عاطفی، خود را به فرد مورد نظر نزدیک کرده و به زندگی او راه پیدا می‌کنند و اطلاعات گرانبها را به کارفرمای خود می‌رسانند، اطلاق می‌شود. به طور کلی به کسی گفته می‌شود که از طریق جاذبه‌های جنسی سعی در نفوذ و کسب اطلاعات از فردی داشته باشد.

در طول تاریخ و در دوران‌های مختلف نیز استفاده از زنان برای این منظور سابقه داشته است، اما مشهور شده که دستگاه امنیتی شوروی سابق و روسیه فعلی و همچنین موساد در استفاده از آن بی‌پروا و کارآمدند.

از نمونه‌های پرستوها می‌توان از سارا آرونسون پرستوی قهرمان قوم یهود نام برد. وی یکی از اعضای شبکه جاسوسی یهودی "نیلی" (Nili) بود که در طول جنگ جهانی اول به انگلیس خدمت می‌کرد و گاهی او را "قهرمان نیلی" می‌خوانند. همچنین به گلدا مایر (مئیر) مادر بزرگ پرستوها نیز می‌توان اشاره کرد. به دلیل خدمات بسیار زیاد مایر از وی با عنوان مادر بزرگ اسرائیل نیز یاد می‌شود. افرادی مثل "بتی پک" با اسم مستعار "سینتیا" را نیز می‌توان جزو پرستوها برشمرد. او برای سرویس اطلاعاتی بریتانیا کار می‌کرد و نقش بزرگی در پیروزی متفقین بر هیتلر بازی کرد.

همچنین به عنوان نمونه داخلی این مسئله می‌توان به شخصی که دو نماینده مجلس، یعنی حسینعلی حاجی‌دلگانی، نماینده شاهین‌شهر، و ابوالفضل ابوترابی، نماینده نجف‌آباد، درباره آن اطلاع‌رسانی کرده‌اند، اشاره کرد. روز ۲ تیرماه، حاجی‌دلگانی گفت: اخیراً نهادهای امنیتی باند نفوذی را در وزارت نفت دستگیر کردند که در رأس آن خانمی با ایجاد ارتباط با ۱۶ نفر از مقامات ارشد این وزارتخانه توانسته بود در جهت تکمیل یازل دشمن، ضرباتی را به کشور وارد کند. گفتنی است این مسئله در شبکه‌های اجتماعی با هشتگ #پرستوی_شانزده_نفره و #وزارت_نفت پررنگ شد و کاربران به آن واکنش‌های شدیدی نشان دادند.

در این میان پررنگ شدن واژه پرستو در ماه‌های اخیر به علت کشته شدن همسر دوم محمدعلی نجفی بود. میترا استاد که در

مجسمه زنده قتل و همسرکشی بدل شده است.

البته که این بخش شاید از مظلوم‌نمایی اصلاحات در انتخابات پیش‌رو جلوگیری کند اما ما نیز همانند آقای کمالی‌پور نایب رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس امیدواریم این گذشت‌ها باعث نشود هرکسی به راحتی اسلحه در دست گرفته و در نهایت منجر به قتل فرد بی‌گناهی شود.

شفاف‌سازی شود.

با توجه به بخشیده شدن نجفی توسط خانواده استاد ابهامات بیشتری حول این پرونده به وجود آمد و در نهایت دلیل بخشیده شدن نجفی توسط خانواده استاد به طور کامل روشن نشد. اما همه می‌دانیم که روسیاهی این مسئله تا ابد برای زغال می‌ماند و محمدعلی نجفی که روزی مایه فخر اصلاحات بود، رسماً به

یادداشت:



به نام زنان ایران زمین

امتیاز غیرقابل کتمان سریال بانوی سردار

مرصیه انبری

نشینان باشد یا در سریال‌های تاریخی قصه‌ها بر مدار مردان تعریف شود، در حالی که در ایران ما ملت‌ها تبدیل به یک ملت شده‌اند و باید داستان رشادت مردان و زنان عرب، ترک، کرد، لر، فارس، بلوچ و ... توأمان به نمایش در آید. بس است دیدن زنان و مردان اتوکشیده‌ی تهرانی که اگر کسی از قومیت دیگر وارد قصه شود قرار باشد نقش زیر دست مفلوک یا طنز داستان را برای آن‌ها در حاشیه ایفا کند.

از سویی دیگر در حالی که مخالفت با استعمار قدیم، نو و فرانوی انگلستان و همتایان آن به دشمن تراشی‌های گروه معدودی از روحانیون نسبت داده می‌شود، لازم است پتک تاریخ بر سر بوق‌های تبلیغاتی دشمن که مبارزه‌ی ملی و مذهبی ملت ایران را اوهام تلقی می‌کنند کوبیده شود.

بنابراین انتقادات به گوش رئسای صدا و سیما برسد برای این که اگر فصل‌های بعدی در راه بود لحاظ کنند. هر چند از ساخته‌های هزار بار تکرار شده‌ی میرباقری و مرحوم سلحشور نیز میتوان انتقاد کرد و هیچ سریالی خالی از اشکال نیست ولی فرصت برای بردن این سریال نیز به قربانگاه نقد تولیدات حامی شرافت ملی و مذهبی ایران بسیار است.

اما قدری انصاف و کوتاه آمدن از انتقاد به مناسبت نمایش بانویی بختیاری که در کوهستان‌های ایران به اندازه‌ی صد مرد برای ایران مبارزه کرد و همتای میرزای جنگل و رئیس تنگستان بود.

در حالی که تمام قهرمانان مرد تاریخ ایران هر چند به آن‌ها کم لطفی شود و در کتاب‌های تاریخ محبوس بمانند باز هم جایی در گوشه‌ی ناخودآگاه ما به آن‌ها اختصاص دارد چرا که در زمانی دور روی نیمکت مدرسه حتی برای یک بار هم که شده نام آن‌ها را خوانده ایم اما کجاست نام زنان قهرمان ایران؟

در حالی که به طبع کم‌کاری‌های فرهنگی، تاریخ را سال‌هاست مردانه روایت کرده ایم و گویی جایگاه زنان همواره کنار در خانه ای بوده تا مردانی تاریخ‌ساز را بدرقه کنند و در کنار اجاق مطبخ اشک‌هایشان در فراق دلیرمردان ایران بخار شود و به زمین نرسد این بار ولی معجزه رخ داد تا شیرزن بختیاری بر صفحه‌ی جادویی خانه‌های ایرانی بدرخشد.

بی بی مریم بختیاری، سردار مبارزه با استعمار بریتانیا، زنی که در زمانی بسیار جلوتر از عصر خویش زندگی می‌کرد. قلم به دست، پای در رکاب مبارزه با انگلستان و روسیه، فعال احقاق حقوق زنان در جامعه‌ی خود و مادر مهربان پسرانی که بعداً در کنار او برای فتح تهران در دوران استبداد صغیر محمدعلی شاه قاجار جهاد کردند.

در شرایطی که قدمی جهت معرفی مفاخر زن ایرانی برداشته شده کمتر مجال می‌ماند برای متقدان که به انتخاب بازیگر نقش اول، ایرادات فنی و تخیلات وارده در فیلمنامه انتقاد کنند. و بهتر است قلم نقد را به زمین گذاشته و ساعتی تامل کنند. تا به کی سیگنال‌ها در اختیار نمایش عشق و نفرت پایتخت



مبانی فقهی - حقوقی جرم انگاری تجاوز زناشویی

پدید آورنده : سید علی میرکمالی
میان رشته ای :: خانواده پژوهی :: پاییز ۱۳۹۶ - شماره ۵۱ (علمی-پژوهشی/ISC) از ۳۸۹ تا ۴۰۵

زناشویی غیرطبیعی و نامتعارف (وطی دبر) و یا زمانی که زن رضایت به رابطه جنسی ندارد، صورت پذیرد.

به نظر می رسد که فقها به دلیل عدم وجود دلایل متقن در این زمینه، در کتاب حدود و تعزیرات از خشونت جنسی علیه همسر، بحث مستقلی ارائه نکرده و صرفاً در باب قصاص از حکم خشونت جنسی، از آن رو که ممکن است موجب قصاص یا دیه شود، یاد نموده اند. در صورت افضای دختر نابالغ، ضمانت اجرایی که در فقه شیعی تعیین شده است، ثبوت دیه کامل بر شوهر می باشد.

در حقوق مدنی ایران تمایلات جنسی زنان در امر زناشویی مورد اعتنا قرار نگرفته است. نحوه نگارش ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی که مقرر داشته: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود» به صراحت نشان می دهد که تمتع زوج از زوجه یک تکلیف است. تمکین در مفهوم خاص به زوج حق می دهد تا بدون اعتنا نسبت به آمادگی جسمانی و روانی همسر خود، با او هم بستر شود. قانون گذار برای تمکین مردان از زنان، قیود مشابهی ایجاد نکرده است. رویه قضایی در ایران حاکی از آن است که ادعای عسر و حرج زن مبتنی بر عدم رضایت مندی در روابط جنسی با شوهر، قابل استماع نیست. مگر آن که زن بتواند بیماری های خاص جنسی همسرش را که در قانون مدنی ذکر شده است، به اثبات برساند.

در نظام حقوق کیفری ایران یکی از شرایط تحقق زنا، عدم وجود رابطه زوجیت میان فاعل و مفعول است. زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن ها نباشد و زنا به عنف هم یکی از مصادیق زناست. پس از آنجا که آمیزش جنسی به عنف و یا نزدیکی نامتعارف با همسر مطابق قوانین و مقررات اسلامی، اصولاً زنا محسوب نمی شود، در نتیجه بحث زنا به عنف نیز

مواقعه و یا به عبارتی برقراری رابطه جنسی یکی از آثار عقد ازدواج است. حق تمتع جنسی از جمله مهم-ترین حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر است. در این راستا، مردان معمولاً برقراری این رابطه را حق خود می دانند و زنان نیز خود را موظف می دانند به نیازهای جنسی همسرشان پاسخ دهند. این امر به ویژه در جوامع سنتی و مردسالار باعث شکل گیری یک رابطه یکسویه گردیده است و اگر زن به هر دلیلی از برقراری این رابطه دریغ نماید، مرد نه تنها احساس می کند به جایگاه او خدشه وارد شده، بلکه چنین رفتاری را دلیل بر محرومیت از حق مسلم خویش قلمداد می نماید و ممکن است با استفاده از هر حربه ای زن را وادار به تمکین کند. اجبار زن به تمکین، به ویژه اجبار به نزدیکی غیرطبیعی می تواند آثار سوء روحی و جسمی برای ایشان به دنبال داشته باشد. این امر موجب شده است که در دهه های پایانی قرن پیشین، توجه ویژه ای به این امر معطوف گردد و مبحثی تحت عنوان «تجاوز در بستر زناشویی» در ادبیات کیفری برخی کشورها مطرح شود.

عمل خشونت آمیز نزدیکی به عنف با همسر، یکی از اشکال خشونت جنسی در خانواده می باشد که ریشه در فرهنگ و عقاید غلط دارد. چراکه برخی مردان تصور می کنند که زن جزء اموال ایشان است و یا این که انعقاد پیمان زناشویی بدین معناست که هر زمان شوهر از او بخواهد، باید بر عمل جنسی تن در دهد و رضایت زن هیچ گاه برای انجام عمل لازم نمی باشد.

حال این پرسش مطرح می شود که چگونه می توان این رفتار را در نظام حقوق کیفری ما جرم انگاری کرد؟

تجاوز جنسی به همسر را می توان این گونه تعریف کرد: هرگونه واقعه و رابطه جنسی ناخواسته اعم از اکراه، اعمال زور و یا رابطه

۶۶ **اطلاق**
 مستفاد از آیه ۲۲۳
 بقره به این معناست
 که بدون هیچ
 قیدی، می توانید به
 عمل جنسی مبادرت
 ورزید، آیه شریفه
 در مقام بیان اصل
 جواز و عدم
 محدودیت در رابطه
 جنسی است و نسبت
 به باید و نبایدهای
 عمل جنسی متعرض
 نیست.



۶۶ **قاعده لاضرر**
 مستنبط از حدیثی
 است که در دعوای
 معروفی، پیامبر
 برای فصل خصومت
 به کار برده اند.
 لیکن منحصر به
 حقوق خصوصی
 نیست. کما این که
 این حدیث در
 موضوع کفاری،
 یعنی ورود غیر مجاز
 به ملک دیگری،
 صادر شده است و
 حدیث هم مطلق
 ضرر را مد نظر
 دارد.



۶۶ **آیه ۲۲۲**
 سوره بقره: «بگو
 آن، رنجی است.
 پس هنگام عادت
 ماهانه از، آمیزش
 [با زنان کناره
 گیری کنید.] آیه
 شریفه از آمیزش با
 زنان در دوران
 قاعدگی به علت
 رنج و آزار منع می
 نماید. بنابراین به
 طریق اولی رابطه
 جنسی نامتعارف
 ممنوع خواهد بود.

، محبت و مدارا سفارش فراوان شده است تا جایی که پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «هیچ کاری نزد و خدا پیامبر گرامی تر و محبوبتر از ایمان و رفق نرمش و مدارا با مردمان نیست و هیچ کاری نزد خداوند و رسول، زشت تر و مبغوض تر از شرک به و خدا خشونت با مردمان نیست.»

بدیهی است با توجه به نگاه ویژه اسلام به مسئله رأفت در خانواده و پرهیز از بدرفتاری نسبت به زنان، خشونت نسبت به همسر - به ویژه در حیطة روابط جنسی - در این میان امری بس ناپسندتر خواهد بود. در نتیجه با در نظر داشتن حرمت چنین عملی، جرم انگاری آن نیز دور از ذهن نخواهد بود. قاعده لاضرر مستنبط از حدیثی است که در دعوای معروفی، پیامبر برای فصل خصومت به کار برده اند. لیکن منحصر به حقوق خصوصی نیست. کما این که این حدیث در موضوع کفاری، یعنی ورود غیرمجاز به ملک دیگری، صادر شده است و حدیث هم مطلق ضرر را مد نظر دارد. یک دیدگاه در رابطه با نفی حکم ضرری از سوی شارع، بیان می دارد که هر حکمی که از سوی شارع مقدس صادر شده، اگر زیان آور باشد، خواه ضرر بر نفس مکلف و یا غیر باشد، یا ضرر مالی و غیرمالی، حکم یاد شده به استناد قاعده لاضرر برداشته می شود.

مهم ترین دلیل این قاعده عقل است. بایستی توجه داشت که عدم مشروعیت ضرر - که مورد نظر حدیث می باشد - مرحله قانون گذاری و اجرای قانون را توأمان دربر می گیرد؛ زیرا خداوند در مقام تشریح اولیه احکام اسلامی هیچ حکم ضرری و ضعیف نکرده است و چنان چه حکمی از احکام الهی که از نظر کلی و نوعی، ضرری نیست؛ در مقام اجرا برای فردی از افراد مسلمان ایجاد ضرر نماید، به طور موردی مرتفع می گردد. از این رو، با لحاظ آسیب های وارده به زن، جرم انگاری چنین رفتاری، امری توجیه پذیر خواهد بود. با این توضیح که به دنبال ضررهای منتج از برقراری رابطه جنسی ناخواسته در بستر زناشویی، مشروع بودن چنین عملی زیر سؤال خواهد رفت.

ضررها و آسیب های وارده به قربانیان این نوع تجاوز ممکن است مادی و یا معنوی باشد:

آسیب های جسمانی: مهمترین و اصلی ترین زیان رابطه جنسی نامتعارف از لحاظ جسمی ضربه خوردن به مقعد و راست روده است. این نوع رابطه منجر به درد مزمن لگن، خونریزیها، درد شکم و بروز انواع بیماری های دیگر شود. همچنین سردرد، کوفتگی عضلانی در اثر اجبار فیزیکی، سوزش واژن و درد اسفندتر و رکتوم و از بین رفتن کنترل دفعی بدن، در بیشتر از ۳۰ درصد قربانیان رویت شده است.

این نوع رابطه جنسی باعث می شود که زن احساس نماید که به یک وسیله اطفای شهوت مرد تقلیل یافته و از این رو احساس حقارت می نماید. همچنین استمرار این عمل موجب سردمزاجی زن و حتی مرد میگردد. این نگاه ابزارگونه موجب تحقیر زن و آزار اوست. ایذا، آزار و اذیت انسان در اسلام حرام است و مرتکب ایذا و آزاردهنده را می توان تعزیر کرد.

معاشرت به معروف: مستند و مبنای قاعده معاشرت به معروف، قرآن است؛ «و عاشروهن بالمعروف» (آیه ۱۹ سوره نساء) با زنان به معروف معاشرت کنید و هم چنین آیه «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف» (آیه ۲۲۸ سوره بقره). در واقع، مطابق با این آیات، در کنار وظایفی که بر عهده زنان است، متقابلاً حقوقی نیز به طور شایسته برای ایشان در نظر گرفته شده که بر عهده مردان می باشد. قانون مدنی در ماده ۱۱۰۳ مقرر داشته است که

منتفی است. بنابراین، قانون گذار کیفری برای این گونه از روابط جنسی مجازات تعیین نکرده است و فقط در ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ایراد صدمه به همسر را به سبب مقاربت جنسی و یا به سببی غیر از مقاربت که موجب پاره شدن بافت های حائل میان واژن و مقعد و یا بافت های میان واژن و مثانه شود، تحت عنوان افشاء جرم انگاری کرده است و هم چنین ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ که واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زن و واقعه منتهی به فوت زن را جرم انگاشته است با این حال به نظر می رسد با توجه به نظر برخی از فقیهان که قائل به حرمت آمیزش جنسی غیرطبیعی می باشند و سایر مصالح اجتماعی، می توان آن را جرم انگاری نمود و مجازات متناسب برای آن تعیین کرد. این مکانیسم در منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۳/۳۱/۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی به چشم می خورد. این منشور با هدف تبیین حقوق و تکالیف زنان در ایران، به منظور تحقق عدالت و انصاف در جامعه زنان مسلمان، به عنوان یک سند مرجع در عرصه سیاست گذاری در امور فرهنگی و اجتماعی ذیل ۳ بخش و ۵ فصل و ۱۴۸ بند در جلسه شماره ۵۴۶ مورخ ۸۳/۳۱/۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد و کلیه دستگاه های ذی ربط مکلف شدند بر حسب وظایف دستگاهی و سازمانی جهت سیاست گذاری و اتخاذ تدابیر قانونی تصمیمات و برنامه ریزی راجع به زنان و... اصول مندرج در این منشور را رعایت نمایند.

تجاوز زناشویی از منظر فقه: مهمترین دلیل قائلین به جواز رابطه زناشویی نامتعارف، آیه ۲۲۳ سوره بقره می باشد. معنای آیه این است که هر به کیفیتی می که می خواهید جایز است از طریق متعارف با زوجه خود واقعه نمایید.

لازم به ذکر است که اطلاق مستفاد از آیه به این معناست که بدون هیچ قیدی، می توانید به عمل جنسی مبادرت ورزید، اما باید توجه نمود که یکی از مقدمات حکمت در باب اطلاق، در مقام بیان بودن شارع است. بنابراین باید مشخص نمود که آیا شارع در مقام بیان مباحات و محرمات عمل جنسی بوده است یا خیر؟ به نظر می رسد آیه شریفه در مقام بیان اصل جواز و عدم محدودیت در رابطه جنسی است و نسبت به باید و نبایدهای عمل جنسی متعرض نیست.

برخی از فقهای امامیه بر حرمت نزدیکی غیرطبیعی با زوجه معتقدند. در اثبات این نظر به معنای واژه «حرث» در آیه ۲۲۳ سوره بقره استدلال نموده اند، از آنجایی که «کشت» تشبیهی برای توالد است، بنابراین رابطه جنسی از راهی که منجر به تولید نسل نمی شود «حرث» نبوده و تخصصاً از موضوع آیه خارج است و هم چنین به آیه ۲۲۲ سوره بقره استناد کردند که می فرماید: «پس چون پاک شدند از، همان که جا به خدا شما فرمان داده است با، آنان آمیزش کنید.» همچنین می توان به آیه ۲۲۲ سوره بقره اشاره کرد که می فرماید: «بگو آن، رنجی است. پس هنگام عادت ماهانه از، آمیزش [با زنان کناره گیری کنید.] آیه شریفه از آمیزش با زنان در دوران قاعدگی به علت رنج و آزار منع می نماید. رنج و ناراحتی از مقعد بیشتر از آزار آمیزش در ایام قاعدگی است؛ بنابراین به طریق اولی رابطه جنسی نامتعارف ممنوع خواهد بود.

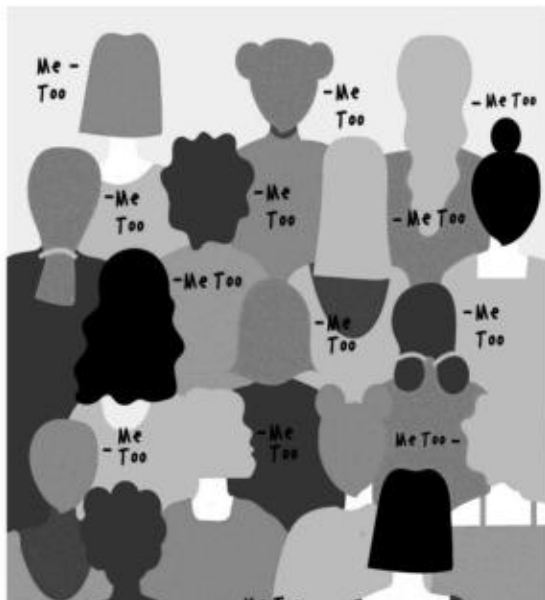
قاعده لاضرر و حرمت ایذا: در معارف دینی و تعالیم آسمانی انواع و اشکال خشونت و آزارسانی نسبت به انسان ها، بلکه نسبت به همه موجودات ممنوع و ناپسند شمرده شده است و در روابط اجتماعی، به رعایت حقوق یکدیگر و ابراز مهربانی، شفقت،

ندانسته و طرح چنین دعوایی را خلاف رویه محاکم تلقی نموده است. تنها زوجه را به وصول مهریه و نفقه دلالت نموده اند که نه تنها حلال مشکلات نیست، بلکه به سوءرفتار زوج نیز دامن خواهد زد.

حسن معاشرت در رویکرد سلبی نیز حامل این معناست که تمام اموری که توهین محسوب می شود، مانند: ناسزاگویی و ایراد ضرب و شتم و تحریم روابط جنسی یا روابط جنسی همراه خشونت و اجبار از مصداق های سوءمعاشرت در خانواده بوده و در نتیجه ممنوع است. درکنار زیاده روی در برقراری ارتباط جنسی، نزدیکی به روش غیرمرسوم و نامتعارف نیز به عنوان چهره ای از سوءمعاشرت است. زن در روابط زناشویی ماشین بهره برداری نیست؛ انسانی است برابر با شوهر که با او پیمان همسری بسته است و باید با او چنان رفتار شود که شخصیت و کرامت انسانی اقتضا دارد.

نتیجه گیری:

برقراری رابطه جنسی با همسری که تمایل به آن ندارد و یا نامتعارف است، موجب اذیت و آزار و ورود ضررهای روحی و جسمی به زوجه است که اسلام آن ها را نهی کرده و حرام دانسته است و فعل حرام هم مستوجب تعزیر توسط حاکم است. بنابراین، به نظر می رسد با استفاده از این مبانی فقهی و به حکم اخلاق، مصلحت و ضرورت مبارزه با خشونت جنسی و در جهت ضمانت اجرای رعایت ماده فوق الذکر باید رابطه جنسی اجباری و غیرمعتاد با زوجه را جرم انگاری کرد و مجازات مناسب برای آن در نظر گرفت. هم چنان با که نگاهی به مجموعه روایات اسلامی روشن می شود که اسلام جانبداری های گسترده، اصولی و عمیقی از زنان و حتی بالاتر از حق قانونی آنان کرده است. واقع روح کلی حاکم بر روایات و لسان احادیث این گونه است آن در که ها حمایت و ضمانت های ویژه ای از حقوق زنان انجام شده است. اگر در دین، احکام و مقرراتی به عنوان مرزهای حلیت و حرمت یا صحت و بطلان بعضی از امور تشریح شده است، با توصیه های اخلاقی و جانی در کنار آن ها، سعی شده راه سوءاستفاده مردان از قوانینی به که ظاهر به نفع آنان است، گرفته شود که این امر به جهت عدم ضمانت اجراهای لازم کاربردی نشده است که خود می تواند دستاویز دیگری در خصوص جرم انگاری این رفتار ناهنجار باشد.



زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. داشتن روابط جنسی متعارف آن گونه که موقعیت، محیط و وضعیت طبیعی زوجین ایجاب می کند، از مصادیق بارز حسن معاشرت است. از عبارت «روابط جنسی متعارف لازمه معاشرت به معروف است» دو معنای متفاوت قابل برداشت خواهد بود. از یک سو، نفس وجود رابطه جنسی، مقوم و تأمین کننده معاشرت به معروف است که خداوند به آن دستور داده است. از سوی دیگر، اگر در برقراری روابط جنسی بین زوجین جانب متعارف لحاظ نشود، قاعده معاشرت به معروف نقض شده است. در واقع در این قرائت اخیر، تأکید ویژه ای بر «متعارف بودن روابط جنسی زوجین» و مقید شدن آن به «معروف» می شود.

تمتع جنسی هر چند مقتضای ذات نکاح نیست، ولی یکی از اهداف عقد نکاح و از مهم ترین مسائل مطرح در روابط زوجین است. بر خلاف این تصور غلط که استمتاع جنسی حقی منحصر برای مردان است که زنان از آن بهره ای ندارند، باید گفت که فرا هم آوردن امکان ارتباط و التذاذ جنسی از جمله حقوق و در عین حال تکالیف مشترک هر یک از زن و مرد است.

با این توضیحات می توان ادعا نمود نظریه مشهور «تحدید زمانی» که به موجب آن هر مردی مکلف است که حداقل یک مرتبه در فاصله چهار ماه با همسر خود مقاربت کند و زوجه زائد بر آن مقدار حق دیگری ندارد، خلاف حسن معاشرت است. برآورده شدن نیاز جنسی از مجرای شرعی و قانونی امری مهم بوده و یکی از اهداف اساسی ازدواج است و نمی توان حق جنسی زوجین را محدود به یک دوره زمانی چهار ماهه کرد. زن و شوهر در اصل وجود حق جنسی، با هم تفاوت ندارند و همان طور که زوجه مکلف است به خواسته ها و نیازهای جنسی همسرش پاسخ دهد و در غیر این صورت ناشزه تلقی می شود، زوج نیز مکلف است به تمایلات جنسی همسرش توجه کند. آن چه حد این حقوق و تکالیف زوجین را مشخص می کند، معروف است. ملاک تشخیص معاشرت به معروف عرف عقلایی است. چه بسا مفهوم معروف در خصوص بانویی با توجه به شرایط زمانی و مکانی و اوضاع و احوال حاکم بر جامعه ایجاب کند که روابط حداقل یک بار در ماه حفظ شود و در مورد بانویی دیگر بیش از یک بار در سال را اقتضا نکند. منشاء این تفاوت غالب بودن معیار شخصی در قاعده معاشرت به معروف است. تأثیر زمان و مکان در شناخت مصادیق تمکین امری غیر قابل انکار است. مفهوم تمکین در جوامع سنتی با جوامع مدرن و جوامع روستایی با جوامع شهری کاملاً متفاوت است. افزون بر این، درون یک جامعه نیز تمکین، دارای معنای یکسانی نزد تمام خانواده ها نیست؛ بلکه میزان تحصیلات، سن و سایر خصوصیات زوجین و گرایشات مذهبی را باید مد نظر داشت.

در باب تمکین خاص نمی توان تنها زن را موظف به ایفای وظایف زناشویی دانست و مرد را در این زمینه مبرا کرد؛ چراکه اگر به نحو صحیح به این نیاز زن پاسخ داده نشود، دو راه در پیش روی زن قرار می گیرد یا: این نیاز را سرکوب کند که نتیجه اش سردی نسبت به نظام خانواده و عدم انجام وظایف خود نسبت به شوهر می باشد. در این میان پناه بردن زوج به جامعه و بهره گیری از از کانال های دیگر و نهایتاً تضعیف نهاد خانواده از محتمل ترین تبعات آن است؛ یا این که زن برای ارضای خود به هر وسیله ای توسل جوید که پایان آن فساد جامعه خواهد بود. رویه محاکم ایران در این خصوص عدم پذیرش دعوای نشوز از ناحیه مرد است. بسیار پیش آمده که علی رغم اقرار زوج به عدم ارتباط جنسی با زوجه، دادگاه تنها به دلیل سکوت قانون و فقدان رویه قضایی خود را مکلف به پذیرش چنین دعوایی

۶۶ حسن معاشرت
در رویکرد سلبی نیز حامل این معناست که تمام اموری که توهین محسوب می شود، مانند: ناسزاگویی و ایراد ضرب و شتم و تحریم روابط جنسی یا روابط جنسی همراه خشونت و اجبار از مصداق های سوءمعاشرت در خانواده بوده و در نتیجه ممنوع است.



۶۶ می توان ادعا نمود نظریه مشهور «تحدید زمانی» که به موجب آن هر مردی مکلف است که حداقل یک مرتبه در فاصله چهار ماه با همسر خود مقاربت کند و زوجه زائد بر آن مقدار حق دیگری ندارد، خلاف حسن معاشرت است.



#دختر_آبی

■ زینب رستگار پناه

هم جواب نمی دهد اینجا راه حل خودسوزی هم نیست. اینجا است که پای دولت هابه میان میاید. فقدان کار فرهنگی و فرهنگ سازی خودرانشان میدهد و دیگر دیوار این ویرانه به کوتاهی دیوار فقه نیست و دعوی ما اینجا شروع میشود... عده ای داعیه دار حقوق زنان این مرزوبوم میشوند و برای دخترایی سیاه پوش میشوند که معمولا در چنین شرایطی سراز پیله ی پرزرق و برقشان در میاورند و به یاد می آورند در اجتماعی زندگی میکنند که در همسایگیشان زنانی زیسته اند.

این جماعت سوار بر موجی میشوند که حاصل عدم آگاهی بخشی و آموزش به زنان این مرزوبوم است. آموزشی که اگر بود ارزش هار برای زنان و دخترانمان بازسازی میکرد و آرزوهایشان را از این پیله های تنگ و تاریک بیرون می آورد.

تا این جماعت طلوعه دار حقوق زنان در این کشورند سطح مطالبات همینقدر محدود است و مسایل اصلی حوزه ی زنان زیر چکمه های سیاستمداران له خواهد شد.

هر چند پایان آنتشین دختر آبی و مرگ دلخراش او ارتباطی به ورود زنان به ورزشگاه ندارد و این داستان از محکومیت وی به دلیل اهانت به مامور قانون در موج دروغینی افتاد و از این بیراهه سردر آورد اما ای کاش فرصتی بود از سحر دختر آبی بپرسیم در کدامین عرصه ی بین المللی برای ورزش بانوان افتخار آفریده است؟ چندین باره تماشای مسابقات بانوان رفته است و چقدر برای دوبدن در راه احقاق حقوق واقعی زنان ایران آمادگی جسمانی و فکری دارد؟

ما پذیرفته ایم در جغرافیایی زندگی کنیم که نظام حقوقی آن نه کامن لاو است و نه رومی ژرمن. اینجا نظام حقوقی بر اساس فقه امامیه بنا نهاده شده است و مادر این جغرافیا زندگی میکنیم، چنانچه خلاف این قوانین رفتار کنیم جرم محسوب میشود و این در تمامی نظام های حقوقی پذیرفته است.

بررسی حضور زنان در ورزشگاه ها برای تماشای ورزش آقایان از نظر موضوع شناسی هم به نگاه زن به مرد برمی گردد و هم به شرایط جوی و محیطی ورزشگاه ها مربوط می شود. آنچه در این موضوع به فقه باز میگردد از زاویه ی نگاه زن به مرد است.

همه ی مراجع (به جز آیات عظام بهجت، تبریزی و سیستانی) نگاه به بدن نامحرم را جایز نمی دانند هر چند بدون قصد لذت باشد. در این فتاوا به دو عنصر وضعیت بدن مرد و قصد زن از نگاه توجه شده است. حالا اگر شهروند مسلمانی معتقد به احکام اسلام نباشد و برایش فتوای مراجع محلی از اعراب نداشته باشد تنها عامل بازدارنده برای عدم ورودش به ورزشگاه قانون است.

اینجاست که عزمش را جزم میکند تا در برابر قانون بایستد، برای تغییرش تلاش کند، فریاد بزند و حتی خودش را بسوزاند. اما نکته ی مغفول آن است که از منظر موضوع شناسی غیر از بعد فقهی مساله، شرایط جوی و محیطی ورزشگاه هانیز محل بحث است. با حضور در برخی از مسابقات و حتی جست و جو در صفحات مجازی به شرایط جوی و محیطی ورزشگاه ها و ادبیات حاکم بر تماشاگران پی میبرید.

اینجا دیگر راه درمان فریاد زدن نیست، پروپاگاندا طراحی کردن



معرفی کتاب : من ملاله هستم

فاطمه شاملو جانی بیک

سوالاتی از این قبیل زمانی به اوج خود رسید که سر و کله فضل الله رئیس گروه طالبان پاکستان پیدا شد، کسی که با شعار برقراری عدالت اسلامی و از این قبیل حرفها آمد و به چشم بر هم زدنی زندگی مردم پاکستان را به جهنمی بزرگ بدل کرد. در بخشی از کتاب می خوانیم که: ((ابتدا فضل الله بسیار عاقل می نمود. او خود را به عنوان اصلاح طلب اسلامی و مفسر قرآن معرفی کرد. مادرم بسیار مذهبی است و به سخنان فضل الله علاقه مند شد. او برای امر به معروف و نهی از منکر مردم از رادیو استفاده کرد. او می گفت که مردان باید ریش هایشان را بلند کنند و سیگار نکشند و توتون بچوند. مردم می بایست از مصرف هروئین و حشیش خودداری کنند. او روش درست وضوی نماز را به مردم شرح داد. حتی گفت که چگونه باید اعضای خصوصی بدن را شست و شو داد. گاهی سخنان او قابل قبول بود. مانند هنگامی که بزرگترها می کوشند شما را وادار به کاری کنند و نمی خواهید انجام دهید، گاهی وحشتناک و خشونت آمیز می نماید.))

این ها بخشی از بشمار رفتارهای مضحک طالبان بود، که روز به روز بدتر می شد. طالبان قدرت یافت زیرا مردم پاکستان هم حامی آنان بودند و حتی زنان طلاهای خود را وقف آنان می کردند. کار به جایی رسید که حتی برای ورود و خروج مردم هم قوانین وضع می کردند.

کتاب من ملاله هستم، نوشته ی ملاله یوسف زی_کریستینا لمب و ترجمه ی هانیه چوپانی، که توسط انتشارات کوله پشتی چاپ شده است؛ و پر فروش ترین کتاب سال ۲۰۱۳ در زمینه اتوبیوگرافی شد.

ملاله یوسف زی دختری پاکستانی از خانواده ای ساده ولی با پدری تحصیل کرده است، پدری که خودش هم با مشقت زیاد تحصیل کرد. بنابراین ملاله از همان ابتدا این را می دانست. اما نکته قابل توجه این است که امکانات تحصیل و به طور کلی همه چیز در پاکستان برای دختر و پسر متفاوت بود، به گونه ای که در بسیاری از موارد آدمی را به حیرت فرو می برد، که آخر چرا اینقدر بین زن و مرد تفاوت است؟ به عنوان مثال: مدرسه تنها چیزی نبود که عمه های من از آن محروم شدند. هنگام صبح که پدرم شیر یا خامه می خورد به خواهرانش چای بدون شیر می دادند و اگر صبحانه تخم مرغ داشتند فقط برای پسرها بود. وقتی برای شما جوجه می پختند بال و گردن برای دخترها بود و پدرم، برادرش و پدر بزرگ گوشت لذیذ سینه را صرف می کردند. پدر می گوید: (همیشه بین من و خواهرام فرق می داشت).

بنابراین ملاله باید خودش را برای نبردی نا برابر آماده می کرد. نبردی نا برابر بین خودش با افرادی که مسلمان بودند اما گویا انگار آیات قرآن در باب اهمیت علم آموزی را ندیده یا نخواسته بودند که ببینند. کسانی که اوج خدمت زن را در شوهر داری او می دیدند و این موضوع را به گونه ای در وجودشان نهادینه کرده بودند که دختران مجرد وقتی کنار هم می نشستند و از آرزو های خود می گفتند، آرزویی جز همسر داری و فرزند آوری نداشتند گویا دروازه ی خوشبختی جهان فقط از این دو راه به روی انسان باز می شد.

همان طور که خواندید، تحصیل در چنین شرایطی یعنی هر روز صبح با استرس از خانه بیرون بروی کتاب هایت را زیر شالت پنهان کنی، چون تو مجرم بودی و جرمت زن بودن است. در کشوری که ملاله می زیست زنان موجوداتی خطرناک هستند که موجبات گناه و جهنمی شدن مردان الهی را فراهم می کنند، به همین دلیل باید در حجاب پرده باشند. اصلا سوال پیش می آید که اگر قرار بود زنان به ضرورت از منزل خارج شوند و وظیفه ای جز زایش نداشته باشند، پس خدا چرا آنان را آفرید؟ آیا خدا به دنبال ابزاری بود که مرد از آن متنفع شود؟



درست است طالبان نمی خواست تا زنان سواد دار و آگاه شوند چون اگر زنان یک جامعه عاقل باشند آن جامعه از ورطه نابودی نجات می یابد. اما در آن مقطع زمانی آموزش تنها راه حل نبود، راه حل استقلال و روی پا ایستادن بود که مجبور نشوی برای امنیت تحصیلی ات دست به دامان سازمان حقوق بشر آمریکایی بشوی. راستش را بخواهید مبارزه برای گرفتن حقوق زنان، اصول خودش را دارد، البته در مواردی به ملاله حق می دهد در کشوری که او زندگی می کرد طبق گفته پدرش، مردم به واسطه نام پسرانشان شناخته می شدند و تبعیض های جنسیتی بسیاری از همان کودکی اعمال می شد، به همین دلیل ملاله راه برون رفت از این مخمصه را تنها اعتماد به مار خوش خط و خال فرنگ می دید.

آری، ملاله مبارزه کرد ولی گویا مبارزه را نیمه تمام گذاشت و از خط اصلی اش فاصله گرفت، ملاله آرزویش تحصیل همه دختران سرزمینش بود ولی مگر نه اینکه مبارزه یعنی در خاک خود بجنگی، ملاله چگونه می توانست با حضور در امنیت و آسایشی که کشور انگلیس، برایش فراهم کرده بود به دادرسی از دختران سرزمینش بپردازد؟ ملاله ای که بعد از درمانش در انگلیس هرگز به سوات پاکستان باز نگشت ... کتاب پیش رو می تواند دیدتان را درباره خیلی چیزها عوض کند، پس از دستش ندهید ...

جسارت تا آنجا پیش رفت که به اتوبوس حامل دختران مدرسه ای حمله و ملاله و دو تن از دوستانش زخمی شدند. البته طالبان علت این موضوع را تحصیل او اعلام نکردند بلکه سخنرانی ایی که ملاله علیه طالبان کرده بود اعلام کردند، زیرا ملاله آغازگر مبارزه برای گرفتن حق تحصیل دختران پاکستان بود.

کتاب من ملاله هشتم کتابی با فراز و فرودهایی بسیار، کتابی که سیر زندگی مشقت بار دختری را نشان می دهد که با وجود موانع زیادی سر راهش همچنان تشنه تحصیل بود. کتابی که افراط زندگی دینی را به خوبی نشان می داد.

این کتاب با وجود همه جوانب مثبتش اما نقد بزرگی داشت، هرچه صفحه را ورق می زدم و جلوتر می رفتم این بو بیشتر به مشامم می رسید بویی آشنا، به نام غرب زدگی، شاید ملاله در جاهایی بیش از حد آنچه تصور کنیم به اربابان قدرت اقبال نشان می داد، در برون رفت از فاجعه طالبان به رسانه هایشان اعتماد می کرد، غافل از اینکه نمی دانست تغذیه طالبان از همین کسانی ست که کوچکترین تلاشی نمی کنند. انفجار هواپیمای مسافری را دید ولی باز هم به سازمان ملل رفت و شعار داد: یک کودک، یک معلم، یک کتاب، یک قلم می تواند دنیا را تغییر دهد، آموزش تنها راه حل است.



معرفی کتاب: هزار خورشید تابان

ام البنین وکیل زاده

زن‌ها توجه کنند:

همیشه در خانه می‌مانید. برای زنان صحیح نیست که بی‌هدف در خیابان‌ها بگردند. اگر از خانه بیرون می‌آیید باید یک محرم، یک خویشاوند مرد همراهتان باشد. اگر در خیابان شما را تنها ببینند، کتک می‌خورید و به خانه فرستاده می‌شوید. تحت هیچ شرایطی نباید صورتتان نمایان باشد. وقتی از خانه بیرون می‌آیید باید برقع بپوشید اگر سرپیچی کنید، سخت کتک می‌خورید. چشمتان نباید به چشم مردها دوخته شود. در ملاءعام نمی‌خندید. اگر بخندید، کتک می‌خورید. ناخن‌ها را لاک نمی‌زنید. اگر بزینید، یک انگشتتان قطع می‌شود. مدرسه رفتن برای دخترها قدغن است، همه مدارس دخترانه بی‌درنگ تعطیل می‌شود. کار کردن برای زن‌ها ممنوع است. گوش کنید، خوب گوش کنید. اطاعت کنید. الله اکبر

دندان‌های لیلا تق تق می‌کند. حباب‌های تف در سطح دندان‌های جفت شده شکل می‌گرفت و می‌ترکید. فس فس تند و بریده بریده‌ای از او شنیده می‌شد. بعد چشم‌های لیلا گشاد شد. بعد دهانش باز ماند. به همین حال ماند، ماند، ماند، لرزان رگ‌های گردن برجسته، عرق از صورتش روان و انگشت‌هایش داشت انگشت‌های مریم را له می‌کرد.

مریم همیشه لیلا را تحسین می‌کرد که چقدر صبر کرده تا جیغ بکشد.

متن این کتاب که در ۴۲۸ صفحه تنظیم شده است بسیار روان و شیواست و نویسنده اثر با بهره‌گیری از توصیفات جزئی و دقیق و ساده‌نویسی و دوری از کلمات و ترکیبات پرطمطراق سعی بر همراه کردن بیشتر خواننده با خود دارد.

هزار خورشید تابان با نگاه دقیق و موشکافانه و با دید جامعه‌شناسانه‌ای که به مخاطب هدیه می‌دهد سعی بر ساختن زاویه دید جدیدی نسبت به وضعیت افغانستان پیش از شروع ناآرامی‌ها و درگیری‌های داخلی این کشور و بعد از آن دارد. البته این نگاه خالی از قضاوت و سوگیری نیست اما به طور کلی این منصفانه نیست که اشاره نکنیم. اگر خواهان خواندن داستانی پر فراز و نشیب، شیرین اما غمگین و در عین حال منبعی روایی برای دستیابی به اطلاعات تاریخی و جامعه‌شناسی و زوایای جدید از وضعیت افغانستان و زنان این کشور هستید "هزار خورشید تابان" را در صدر لیست خوانش کتاب‌های خود قرار دهید.

موارد بالا بخشی از قوانین حاکم بر جامعه زنان در زمان حکومت طالبان بر افغانستان بوده است که خالد حسینی نویسنده دورگه آمریکایی-افغانستانی در رمان هزار خورشید تابان به آنها اشاره می‌کند. او در این کتاب با همراه کردن لیلا و مریم (دو شخصیت اصلی داستان) با قلم خود به توصیف وضعیت زنان افغانستان در دوران حکومت دست نشانده شوروی، طالبان و در گیرودار حمله آمریکا به این کشور می‌پردازد. در قسمت دیگری از این کتاب که مربوط به وقایع حکومت طالبان است، می‌خوانیم.

پزشک نفسی کشید و به لیلا گفت که بیمارستان داروی بیهوشی ندارد.

"اما اگر تاخیر کنیم بجهات از دست می‌رود."

لیلا گفت: "پس مرا جراحی کنید." باز روی تخت افتاد و زانوهای را بغل کرد.

"مرا جراحی کنید و بجهام را به من بدهید."

پزشک که حالا برقع را از سر برداشته بود توضیح داد: "از ما می‌خواهند برقع پوشیده جراحی کنیم." و با سر اشاره‌ای به پرستار دم در کرد "او مراقبت می‌کند، اگر ببیند کسی می‌آید، من صورتم را می‌پوشانم."

مریم با خود گفت این زنی است که می‌فهمد بختش گفته که اجازه کار کردن دارد و همیشه چیزی هست، چیز دیگری که بتوانند از آدم بگیرند

مریم بالای سر لیلا در حال زایمان جا گرفت. حس می‌کرد.



داستان یوسف و مریم کم تکرار است

مرضیه انبری

با مردان بالای ۶۰ سال از مجموع تمام ازدواج های کشور گزارش شده است.))

یک دوران طلایی برپا بارداری وجود دارد که مربوط به ۲۲ سال تا ۲۴ سال است و هر چه از این سن به سمت کم و زیاد حرکت کنیم بارداری نیاز به مراقبت بیشتری خواهد داشت. و زنان بالای ۳۵ سال و کمتر از ۱۸ سال برای اینکه در صورت باردار شدن نوزاد آن ها سلامت به دنیا بیاید با خطر احتمالی مواجه هستند این دو گروه نیازمند خدمات بهداشتی و آموزش هستند که به عهده ی نظام سلامت است و متوجه اصل مسئله ی ازدواج آن ها نیست از سویی هر دختر و پسری که به عقد یکدیگر در آمدند قرار نیست بچه ی آن ها نه ماه بعد متولد شود! حال پدر و مادر هر سنی میخواند داشته باشند.

درباره ی مسائل زناشویی و رابطه ی جنسی با توجه به این موضوع که سن بلوغ جنسی کاهش یافته است (۱۱ سال دختر و ۱۳ سال پسر) به دنبال آن بدیهی است که سن ازدواج هم در سال های آینده کاهش یابد مگر اینکه کلا منکر نیاز جنسی و عاطفی دختران و پسران باشیم یا اینکه این حق را به خود بدهیم همه را به پاکدامنی دعوت کنیم. وقتی که در اثر سهل انگاری سن بلوغ تا این حد کاهش یافت و هیچ کس نمی تواند منکر آن باشد اکنون دانسته های یک دختر مثلا ۱۲ ساله در دهه نود درباره ی نیاز جنسی برابر با یک دختر ۲۰ ساله در دهه شصت است یعنی برای انجام عمل بازدارنده دیر شده است و باید به دنبال تسهیل ازدواج باشیم. از سویی دیگر ما هنوز به تفاهم نظری در رابطه با آموزش جنسی دست نیافته ایم؛ عده ای آن را تابو می دانند و عده ای نیز به سبک یونسکو خواهان اجرای آن هستند در حالی که مناسب است آموزش اولیه در محیط خانواده و آموزش تکمیلی و ثانویه در مدارس انجام شود. که هم اکنون به صورت دست و پا شکسته و فرمالیته در حال اجراست و خانواده ها نیز اکثرا با حالت افراط و تفریط به این بحث می پردازند. ما در تمام این سال ها آموزش را رها کرده ایم و انتظار دیدن شهروند ایده آل داریم که ناآموخته، دانای کل باشد. وقتی که بچه ی مسلمان از آغاز بلوغ لازم است برای انجام پاره ای از

این روز ها در یک بحران اقتصادی تمام عیار که نظیر آن در دو دهه ی گذشته دیده نشده است؛ بوق های تبلیغاتی سیاستمداران در پی هر حاشیه ای می روند؛ و در پی هر مشکلی که در کار دولت و ملت رخ می دهد با فریاد نمی توانم و محدودیت اختیارات مظلوم نمایی می کنند و یا با قرائت بیانیه ای و اضافه کردن تبصره ای مشکلات کشور را کان لم یکن تصور می کنند.

من باب بحث کودک همسری و در واقع محدود کردن سن ازدواج نیز وقت و بودجه ی مجلس را که باید صرف نظارت به وزارت خانه های بی تبدیری شود که نان مردم را نصف کرده اند و مردم حاضرند فرزندانشان را برای معیشت معامله کنند؛ صرف هزاران فریاد و مصیبتا شده که دختر بچه ها را به زور خانه ی پیرمرد ها میفرستند. گویی پیرمرد کذایی دخترک را با چیزی جز پول خریده است! و هزاران چه کنم چه کنم به راه می افتد. ولی در یک مورد از ازدواج با فاصله ی سنی ۱۰ سال در استان «کهگیلویه و بویراحمد» دادستان در مقام مدعی العموم وارد شد و قبل از این که مردم اصل خبر را دریافت کنند، رای به بطلان ازدواج داد. و از سوی دیگر و مصیبتا سر داده میشود که دختران بجای درس و مشق باید بچه داری کنند انگار که کسی نمی داند مردم برای مدرسه فرستادن دختران مجرد خود یا در کلان شهر ها با دیدن خرج و مخارج مدارس مثلا دولتی دهان به تعجب وا می کنند یا در روستا ها باید از کوه و کمر عبور کنند تا مدرسه ای پیدا شود.

اما مسائل مربوط به رابطه ی زناشویی و بارداری مهم ترین موضوعی که سوژه ی موافقان محدود سازی سن ازدواج آن را دستاویز تبلیغات خود کرده اند. به همین جهت در ادامه مختصری به این موضوع مورد علاقه ی رسانه ها میپردازیم!

((بنا به گزارشات رئیس دفتر فرهنگی مرکز پژوهش های مجلس از سال ۱۳۹۴ منتشر کرده است. ۲۱ هزار مورد ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۳ سال با مردان ۲۰ تا ۲۴ سال ثبت شده است، ۵ هزار ازدواج با مردان ۱۵ تا ۱۹ سال و ۸ هزار مورد با مردان ۲۵ تا ۲۹ سال. و فقط سه مورد از ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۳ سال

که ممکن است در اثر ناپختگی طرفین آسیب زا باشد به همان اندازه هم باید نگران نوجوانانی باشیم که با یک رفتار غلط جنسی که کاملاً مخفیانه انجام می شود در طول زمان سلامت جسم و روان آن ها دچار نقص می شود. نه می توان ادعا کرد این افراد کم هستند یا نه تعدا زیاد هستند. فقط وقتی ازدواج زود هنگام در جامعه هست در تعداد کم، این رفتار هم وجود دارد حتی در حد کم. همواره امکان دیگری نیز جز خودکنترلی وجود دارد، اگر با هیاهوی رسانه ای متهم به تخریب نشویم و دیو دو سر برای اذهان عمومی ساخته نشود.

اگر قصد بر این است ازدواج در کمتر از سن خاصی ممنوع شود اشکال چندانی ندارد، توافق شود کودکی یعنی چه؟ مگر پایان کودکی همان ورود به بلوغ نیست؟ زمانی که پیازه عملیات صوری را تعریف می کند فرد دوازده ساله ای را مثال می زند و او را نوجوان می خواند نه کودک!

و گیرم که ازدواج در کمتر از هر سنی مثلاً ۱۴ سال با هر فلسفه ای ممنوع شود، فردای اتمام آن سال چه میشود؟ هیچ ... عوام الناس می گویند خب تازه از کودکی در آمده ۱۰ سال دیگر هم احتمالاً از نوجوانی خارج می شود .. کمی هم جوان آبدیده ای شود بعد ازدواج کند! و آن سوی ماجرا نیز کسی که کارد به استخوانش رسیده و میخواهد دختر یا پسرش را معامله کند منتظر کسب تکلیف از کسی نمی ماند و مبارک باد می گوید به ازدواجی که هیچ جایی ثبت نشده و حق و حقوقی که بر باد رفته است ...

تکالیف دینی با جوارح بدن و حالات مختلفی که دچار میشود آشنا شود دیگر آموزش جنسی ابتدایی توسط خانواده و تکمیل آن در محیط آموزشی رسمی مسئله ای وحشت آور نیست. پیشتر بحثی که درباره ی سند ۲۰۳۰ انجام شد درواقع انتقاد به پذیرش اسناد وارداتی بود که روح حاکم بر آن با مبنای ایدئولوژیک ما در تضاد است. مثلاً وقتی تعریف یک سند بین المللی از خانواده شامل زوج های گی و لزبین نیز میشود؛ خود نمونه ای از روح کلی حاکم بر سند است.

اما موضوعی دیگر که لازم است به آن بپردازیم و اندکی مغفول مانده است. داستان مریم و یوسف که قصه ی شیرینی است اما کمتر تکرار می شود.

قدری منصفانه و عاری از سانسور به بحث بلوغ جنسی نوجوانان نیز توجه کنیم، شخصی که قبل از اینکه به نیمه ی دهه ی دوم زندگی خود برسد با مسئله ی ظهور و بروز نیاز جنسی مواجه می شود قرار است چند سال خودکنترلی کند؟ و چند سال قرار است با ورزش، تحصیل و مسائل دینی بر نیازی که طبیعت فراهم آورده است سرپوش بگذارد. آیا تا کنون تلاشی هم شده آماری فراهم شود از دختران و پسرانی که به رفتار جنسی مخرب استمنا و استشهائ روی آورده اند یا به لطف همه گیر شدن فیلتر شکن پس از فیلتر شدن نرم افزار های محبوب مردمی، پورنوگرافی های متنوع برای آن ها چشمک می زند.

به همان اندازه که باید نگران باشیم برای ازدواج های زود هنگامی



در سالی که گذشت فعالیت های انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء (س) در حوزه زنان

حوا

انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه الزهراء (س)

بررسی سئو و تکالیف زوجین
بررسی سئو و شروط عقد
نقد فیلم سینمایی حرق سرد
اصلاحات نفی زان سعیدی
ریاست باقریه صاحب با دکتر الهام شریعی

حوا

کودک همسوی حورا که جدید اصحاب رسانه برای تکلیف و نظریه ی جمال جدید بین احزاب سیاسی است، جدایی که ریشه های فکری دو جناح را به تلاقی می کشد...

سر آغاز ...

انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه الزهراء (س)

حوا

انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه الزهراء (س)

the century of the self
ماشین های شاد

انجمن فکلی، پرده سوم

انجمن مستند قرن خود(قسمت اول)
دو شنبه ۲۱/۲۱/۹۷ از ساعت ۱۲ الی ۱۳
سالن کوثر(همکف ساختمان ابن سینا)

@anjomanalzahra
@anjoman_eslami_alzahra

انجمن فکلی، پرده سوم

لعدم به جرم آزادوسر

دو شنبه ۲۸/۲۱/۹۷
از ساعت ۱۲ الی ۱۳
طبقه هم کف ساختمان ابن سینا، سالن کوثر

@anjomanalzahra
@anjoman_eslami_alzahra

انجمن فکلی، پرده سوم

پول و عورت

دو شنبه ۵/۲۱/۹۷
از ساعت ۱۲ الی ۱۳
طبقه هم کف ساختمان ابن سینا، سالن کوثر

@anjomanalzahra
@anjoman_eslami_alzahra

انجمن اسلامی دانشجویان و انجمن علمی مسافران زنان و خانواده برگزار می کند
گرمی آزاد اندیشی (در قالب سازه دانشگاهی)

«تحدید سن ازدواج»

نظری و امیرا- دکتر محسن برده (عضو هیئت علمی گروه مسافران زنان و خانواده)

سه شنبه از ساعت ۱۳ الی ۱۵
سالن حورا (بین زمین چمن و انتشارات دانشگاه)
ورود برای عموم دانشجویان آزاد می باشد
آیدی لینک نام در تلگرام:
@arezoosefvan
@afafals

انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه الزهراء (س)

What is feminism?

کارگاه مطالعاتی جریان شناسی فمینیسم
سه شنبه ها از ساعت ۱۲ الی ۱۳ در دفتر انجمن اسلامی
لیست نام از طریق ارسال پیام به آیدی @P_eymoori
یا مراجعه به دفتر انجمن اسلامی

@anjomanalzahra @anjoman_eslami_alzahra

قانون، در حمایت از بانوانی که خانواده تشکیل داده‌اند و دروغ مصیبت خانوادگی خود را فریاد می‌زنند، وظایف بسیار سنگین دارد. مطلبی که ما در کشور ما باید با جدیت دنبال کنیم، حمایت اخلاقی و قانونی از زنی است؛ تا مرد در مصیبت خانوادگی نتواند زورگویر کند. گرچه پس از انقلاب، اصلاحات زیادی در قوانین ازدواج و حمایت از خانواده شده است، اما کافر به نظر نمی‌رسد. لذا، توصیه ما به همه دست‌اندرکاران - چه آکنهای که در مجلسند، چه آکنهای که در دستگاه دولتی هستند و چه آکنهای که بر منابر خطابه و وعظ هستند - و به خود زنان، این است که چنین مطلبی را مجدداً دنبال کنند.

بیانات رهبر انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۷ مهر ۱۳۹۶



HASANALMASI JR

عضویت در تیم نشریه حوا از طریق مراجعه به دفتر انجمن اسلام‌دانشجویان دانشگاه
لازهرا (سرا) واقع در سایت شرقر، جنب سف جرد، راهرو رعلم و فرهنگ، اتاق ۱



@havvamag